

تشدید سرکوب زنان بعد از انتخابات نمایشی

بعد از گذشت ۱۴ سال از دیکتاتوری مذهبی ولایت فقیه، مقاومت فرهنگی زنان، همچنان جزو مسائل حاد و حل نشده رژیم است. مسأله حجاب از وجوه مشترک جناح های رژیم در تمام این مدت بوده است. رژیم هرگاه در مقابل مسائل حادی قرار می گیرد، ابعاد سرکوب زنان را گسترش می دهد و از این طریق با ایجاد رعب و وحشت در جامعه، قدرت نمائی پوئشالی می نماید. سرکوب زنان همچنین وسیله ای برای بسط و استانهای باندهای مختلف درون حکومت است.

سرکوب زنان کشور ما، تحت عنوان "بدحجابی" در شرایط کنونی، از آن جهت ابعاد گسترده و وسیعی سابقه ای پیدا کرده که رژیم در نمایش انتخابات مربوط به ریاست جمهوری با شکست مفتضحانه ای

کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین

کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین در تاریخ ۴ تیر امسال به کار خود پایان داد. کنفرانس با انتشار بیانیه مهم بر اصل جهان شمول بودن حقوق بشر، تاکید قاطع نمود اهمیت این اصل به ویژه آنکه کشورهای مثل چین و اندونزی و رژیم خمینی خواستار تغییر آن و تبدیل آن به یک اصل چند گانه و منطقه ای بودند، شایان توجه است اصل تشکیل " کمیاریسای عالی ملل متحد برای امر حقوق بشر " نیز در کنفرانس تصویب و نحوه تشکیل و اجرای آن به مجمع عمومی ملل متحد واگذار شد. همچنین در این بیانیه به مسأله اختصاص یک گزارشگر ویژه در مورد زنان تاکید شده است. ضرورت مطابقت فرایندهای حمایت از حقوق بشر با اصول و مقاصد منشور ملل متحد، شناسایی حق توسعه به مثابه یک حق اساسی همگانی و غیر قابل انتزاع و همکاری دولتها در این مورد، استقلال قوه قضائیه و ضرورت رعایت رویه های قضایی در اجرای عدالت در سطح ملی، رعایت حقوق اقلیت های ملی، نژادی و مذهبی و حقوق زنان و کودکان از جمله مواردی است که در این بیانیه بر آن تاکید شده است. رژیم خمینی علیرغم آنکه هیچکدام از نظراتش که همراه بعضی کشورهای آسیایی دیگر دنبال آن بودند، برآورد نشد، بخاطر اینکه در مورد ایجاد یک دادگاه بین المللی حقوق بشر کنفرانس به نقطه تعیین تکلیف قطعی نرسید، در تبلیغات خود نتایج کنفرانس را یک شکست برای امریکا و غرب اعلام کرد. آخوندها برای جلوگیری از مرگ به تب رضایت داده اند.

روبرو شد و بنابراین برای لایوشانی این شکست و نیز برای خروج از بن بست هایی که بدان دچار است، از حربه همیشگی خود که سرکوب در داخل کشور است استفاده می کند. باند خامنهای - رفسنجانی که طی چهار سال گذشته نه فقط نتوانسته به خواسته ها و نیازهای مردم پاسخ دهد، بلکه هر روز ابعاد بحران در جامعه گسترش یافته، لذا برای جلوگیری از شورش گسترده مردم، زنان میهن مارا که طی چهارده سال گذشته همواره در مقابل اجحافات رژیم مقاومت دلیرانه کرده اند، مورد سرکوب و حشبانه و ارتجاعی قرار می دهد. گسترش سرکوب زنان طی ماه گذشته، موجی از خشم و نفرت در ایران و جهان برانگیخت. در داخل ایران زنان و جوانان به اشکال مختلف در در صفحه ۲

گزارشی از ایران

در صفحه ۸

تلگرام مسئول شورای ملی مقاومت ایران

به سران ۷ کشور صنعتی جهان در

آستانه تشکیل اجلاس نوکیو

در صفحه ۱۱

تلگرام دبیر ارشد

شورای ملی مقاومت ایران

به نخست وزیر سوئد

در صفحه ۴

اجلاس سران گروه هفت

در صفحه ۱۰

گفتگویی مشروح با کارشناس طراز اول

جنبش های مذهبی بنیادگرای

اسلامی - یهودی - مسیحی

در صفحه ۵

معرفی کتاب

"قشریگری اسلامی، تهدید جدید جهانی"

در صفحه ۴

اطلاعیه

دبیرخانه شورای ملی مقاومت

روز ۳۱ خرداد همزمان با اجلاس سران جامعه اروپا در کپنهاگ، مسئول شورای ملی مقاومت ایران، طی نامه یی به نخست وزیر دانمارک که ریاست ایسین اجلاس را بر عهده دارد، خواهان اتخاذ اقدامات قاطع و از جمله اعمال تحریم تسلیحاتی و نفتی علیه رژیم ضد بشری خمینی گردید.

مسئول شورا شکست مفتضحانه انتخابات ۲۱ خرداد رژیم را مبین خواست عموم مردم ایران بنسب سراسری سرنگونی رژیم آخوندی توصیف کرد و گفت: "بازماندگان خمینی نه واجد هیچ گونه مشروعیت حقوقی و مردمی هستند، نه به هیچ اصل و تعهد و میثاق بین المللی پایبندند و نه هیچ گونه چشم انداز خروج از بحرانهای فزاینده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برای آنان متصور است."

مسئول شورای ملی مقاومت تاکید کرد که هر گونه سرمایه گذاری سیاسی یا اقتصادی روی این رژیم محکوم به شکست است."

آقای رجوی با اشاره به اعدام بیش از ۱۰۰ هزار نفر و به بند کشیدن و شکنجه ۱۵۰ هزار زندانی سیاسی به خاطر عقایدشان توسط رژیم خمینی افزود: اینک آخوندهای حاکم بر ایران اعلامیه جهانی حقوق بشر را نیز با وقاحت به زیر علامت سوال برده و همزمان با کنفرانس جهانی حقوق بشر رسماً اعلام کرده اند هیچ بیانیه جهان شمولی در مورد حقوق بشر انمی پذیرند. جامعه اروپایی تواند با پیش قدم شدن برای طرح یک تحریم تسلیحاتی و نفتی در شورای امنیت ملل متحد، راه را برای اقدامات عملی بین المللی علیه ایسین دیکتاتوری مذهبی - تروریستی هموار نماید.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران - پاریس
۲۱ خرداد ۷۲ (۲۱ ژوئن ۹۲)

در این شماره:

▪ اخبار و رویدادها

▪ بیماران مناطق مرزی توسط رژیم

ترس رژیم از جدا شدن نیروهای بسیجی

سلمان رشدی

▪ جنایت بنیادگرا هادر ترکیه

کابینه رفسنجانی

▪ بیانیه اجلاس سران هفت کشور صنعتی جهان

▪ گرامی باد خاطره فدایی شهید جمشید میرحیدری

▪ رویدادهای تاریخی

تشدید سرکوب زنان

بعد از انتخابات نمایشی

از صفحه ۱۲

مقابل این تهاجم ارتجاعی مقاومت نمودند. اخبار این اعمال وحشیانه بطور گسترده در مطبوعات و رسانه‌های بین‌المللی منعکس شد. اما سران رژیم بنابه نیساز حفظ حکومت خود، مجبور بودند که این سرکوب را هر چه بیشتر گسترش دهند. باند‌های اراذل و اوباش رژیم تحت عنوان گشت‌های ویژه به خیابانها ریخته و به وحشیانه‌ترین شکل با زنان، جوانان برخورد می‌کردند. رژیم هفته اول تیرماه را به عنوان هفته

امربه معروف ونهی از منکر اعلام می‌کند. رفسنجانی مثل مار زخم خورده اعلام می‌کند که: "مانعست از انجام آن چه که مخالف اخلاق اسلامی است برای شیعه‌ها به همان اندازه نماز و روزه مهم است" (خبرگزاری فرانسه - اول تیرماه)

همچنین رفسنجانی خودبخشنامه‌ای در مورد رعایت حجاب اسلامی خطاب به وزارت خانه‌ها، سازمانها و موسسات و شرکتهای دولتی و وابسته به دولت، بانکها و موسسات مادر می‌کند. در این بخشنامه شیخ رفسنجانی از وزراء مسئولیت مستقیم اجرای این بخشنامه را خواسته است. این بخشنامه در همین شماره نبرد خلق بچاپ میرسد.

روزنامه جمهوری اسلامی در شماره دوم تیرماه می‌نویسد: "۵۰۰ نفر از زنان بدحجاب توسط نیروهای انتظامی دستگیر و تحویل اداره مبارزه با مفسدات و منکرات داده شده‌اند" و یا "در حال حاضر دادیاری در اداره مبارزه با مفسدات و منکرات مستقر می‌باشد که همانجا حکم صادر و فرد خاطی تعزیر می‌شود و همچنین اطلاعات افراد در کامپیوتر ثبت و در صورت تکرار دستگیری برخورد شدیدتری با آنها خواهد شد".

در هفته اول تیرماه صدها منازه و بوتیک به جرم ورود زنان به اصطلاح بدحجاب و بی‌فروش و سایر مربوط به زنان بسته شدند.

رفسنجانی شاید که خودبیماری هاری و سرکوب دارد، گفت: "کسانی که این گونه جرم‌ها را مرتکب می‌شوند بیمار هستند و نیروهای انتظامی مثل پزشک هستند که می‌خواهند آن‌ها را امالجه کنند" (خبرگزاری فرانسه اول تیرماه)

در این هفته رژیم تمام امکانات تبلیغاتی خود را در مقابل بازماند سیخ کرد. خیابانها و محل‌های خرید خلوت شدند. گشت‌های خیابانی به آزار و اذیت زنان و جوانان پرداختند و نزدیک به ۱۰۰۰ نفر طی چند روز دستگیر شدند. تمام رسانه‌های بین‌المللی خبر این سرکوب گسترده را منعکس و از آن به عنوان حکومت وحشت یاد کردند.

نیویورک تایمز در شماره ۲ تیرماه خود این موج جدید را به عنوان شدیدترین سرکوب از دهه ۱۹۸۰ به بعد توصیف می‌کند.

پاسدار مزدور عقوبتی فرمانده نیروهای انتظامی تهران بزرگ در اطلاعیه‌ای که در ۶ تیرماه صادر کرده است، زنان میهنمان را در ردیف اراذل و اوباش قلمداد کرده و از مرحله دوم سرکوب زنان صحبت می‌کند. این مزدور می‌گوید: "مرحله دوم طرح بسا

گشت ویژه ارشاد در سطح شهر آغاز شد. از این پس حضور کلیه اراذل و اوباش و خانمهای بدحجاب در اماکن عمومی و سطح شهر به عنوان جرم تلقی گردیده و مامورین این ناحیه موظف به دستگیری و اعمال قانون نسبت به آنان خواهند بود". این مزدور رژیم که خود سرکرده اوباشان است برای ایجاد رعب و وحشت در بین مردم چنین می‌گوید: "در این اماکن عمومی اعم از سینماها، هتل‌ها، رستوران‌ها، فروشگاههای بزرگ و کوچک پوشاک و مواد غذایی می‌موظفند از ورود اینگونه افراد به محل جلوگیری به عمل آورند، در غیر این صورت واحد صنفی آنان پلمپ خواهد شد".

در این موج سرکوب گسترده، زنان خارجی نیز بی نصیب نماندند. گشت‌های سرکوب، آن‌ها را از ماشین‌هایشان پیاده کرده و ماشین‌ها را ضبط و به پارکینگ مخصوصی انتقال می‌داند. در این هفته در اکثر خیابانهای مرکزی و شمالی تهران، مردم شاهد صحنه‌های دستگیری و ضرب و شتم و توهین به زنان توسط گشت‌های ویژه بودند که در اکثر موارد مردم دخالت کرده و منجر به درگیری می‌شد.

در ادامه این یورش جدید، رادیو رژیم در برنامه ۱۲ تیر خود می‌گوید: "امربه معروف ونهی از منکر بعنوان فریضه الهی، حاکی از اهمیت مسئولیت نظارت همگانی مردم است. مردم با امر به معروف ونهی از منکر از حق اعتراض خود نسبت به کج رویها و انحرافات اجتماعی در عالی‌ترین شکل و به بهترین شیوه ممکن استفاده می‌کنند".

تمام اعمال این دیکتاتوری قرون وسطی در جهان بی نظیر است. وقتی رژیم از شرکت مردم، در مسائل مربوط به خودشان صحبت می‌کند، نباید تصور کرد که رژیم به نظر مردم اهمیت می‌دهد، زیرا اساس این رژیم بر ولایت فقیه است و رای مردم در آن جایی ندارد. منظور رژیم از نظارت همگانی مردم، شرکت بعضی افراد، در سرکوب مردم و پیوسته زنان کشور است.

سران رژیم این را بخوبی فهمیده که نباید در مقابل مقاومت مردم یک قدم عقب بگذارند. سران رژیم می‌دانند که اگر چنین کنند سرعت سرنگون می‌شوند و بنابراین به سرکوب مقاومت مردم و بخصوص سرکوب زنان می‌پردازند و این سرکوب هر روز اشکال

در صفحه ۹

بیشتر از رژیم

بخشنامه

مقام محترم ریاست جمهوری اسلامی ایران در مورد رعایت حجاب اسلامی به کلیه وزارتخانه‌ها، سازمانها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و وابسته به دولت، بانکها و مؤسسات وابسته به آنها

انقلاب اسلامی با ماهیتی فرهنگی و نشأت گرفته از مکتب حیاتبخش اسلام بوقوع پیوست و به عنوان حرکتی اصولی و عمیق فرهنگی، بی‌نهایتی را در جهان طرح نموده و منبازها و ارزشهای الهی را بنیان نهاد، گرچه این حرکت ثوابت علیرغم دهها سال حکومت ملامت و اذیت و شیفته شرب بخش عمده رسوبات نظام شاهنشاهی را از چهره جامعه زدوده و روح منوبیت و ارزشهای اسلامی را احیا کرد و متبلور سازد. اما هنوز هستند کسانی که تحت تاثیر فرهنگ آلوده و منحط غرب در مقابل فرهنگ انسان ساز اسلام و انقلاب خودنمایی می‌کنند.

در این جهت و به منظور حفظ شئون و دستاوردهای انقلاب اسلامی و حاکمیت بخشیدن به ارزشهای والای اسلامی لازمست در محیط کلیه دستگاهها پوشش کارکنان و ارباب رجوع مطابق ضوابط اسلامی باشد، مسئولان در اجرای این دستور مراقبت کامل نموده و بطور مستمر بالاترین مقام اجرائی دستگاه را در جریان امور قرار خواهند داد و با کارکنان متخلف مطابق قانون رسیدگی به تخلفات اداری فاطمانه برخورد خواهند نمود. آقایان وزراء مسئولیت مستقیم اجرای این بخشنامه را به عهده دارند. به منظور نظارت بر اجرای دقیق این بخشنامه بازرسانی از سوی وزارت کشور به دستگاههای اجرائی اعزام خواهند شد.

اکبر هاشمی رفسنجانی
رئیس جمهور

اخبار و رویدادها....

سلمان رشدی از صفحه ۱۲

خبرگزاری رویترز در تاریخ ۲۸ تیر امسال گزارش داد که امروز "سلمان رشدی به یک دیدار ناگهانی از پاریس دست زده و از موضع کلینتون در قبال ایران قدردانی به عمل آورد و گفت، طریقه فشار بر تهران برای تغییر رفتار از طریق بدهی هایش می‌باشد، رشدی گفت، چیزی که رئیس جمهور آمریکا گفته و من با آن موافقم، این است که طریقه فشار بر ایران از طریق بدهی عظیم ۴۴ میلیارد دلاریش می‌باشد."

جنایت بنیادگراها در ترکیه

روز جمعه ۱۱ تیر امسال، مسلمانان بنیادگرا، در شهر سیواس ترکیه، یک جنایت جدید آفریدند. مرتجعین به یک هتل در شهر سیواس راه آتش کشیدند و ۴۰ نفر از ساکنین این هتل در اثر این جنایت جان خود را از دست دادند. این هتل محل اقامت عزیزنشین و تعداد دیگری از روشنفکران ترکیه بوده است. روز قبل از این در شهر سیواس یک دفتر فرهنگی بنام "پسر سلطان" توسط عزیزنشین افتتاح شد. در جریان این ماجرا عزیزنشین که تصمیم گرفته کتاب سلمان رشدی را به ترکی ترجمه کند، جان سالم بدر برد. رژیم خمینی با حمایت از این اقدام جنایتکارانه بنیادگرایان در ترکیه و ممنوع نمودن چاپ و پخش آثار عزیزنشین در ترکیه، نشان داد که عامل اصلی این جنایات در نقاط مختلف جهان است.

کابینه رفتنجان

رادیویی بی سی در برنامه روز ۲۸ تیر امسال گزارشی در مورد فشار جناح بازار برای تغییر کابینه رفتنجانی پخش نمود. در این گزارش آمده است که: "روزنامه جمهوری اسلامی در ادامه مقاله‌ای که از دو شماره پیش با عنوان مجلس و دولت آینده آغاز کرده، امروز به این موضوع پرداخته است که جناح‌های سیاسی از رئیس جمهوری چه می‌خواهند و خود در پاسخ، تعیین وزیران را از حقوق رئیس جمهوری دانسته و از نمایندگان مجلس خواسته که مثل سایر مردم اگر نظری دارند بدون جنجال و در قالب پیشنهاد به رئیس جمهوری اطلاع دهند."

اما، رسالت روزنامه وابسته به جناح بازار که در مجلس چهارم اکثریت دارد، امروز با بیانی واضح‌تر از پیش به پاسخگویی به مخالفان پرداخته و از جمله روزنامه‌هایی را که موضع فعلی این گروه را با شعاع انتخاباتی حمایت از هاشمی متضاد می‌دانند مخاطب قرار داده و تصریح کرده که معنای حمایت این نیست که تمام دیدگاه‌های ایشان را قبول داشته باشند. نویسنده مقاله رسالت، سپس به اصل ۱۳۶ قانون اساسی اشاره کرده که می‌گوید اگر نیمی از وزیران معرفی شده از سوی رئیس جمهوری رای اعتماد نگیرند، رئیس جمهوری باید مجدداً برای هیات وزیران تقاضای رای اعتماد کند."

در صفحه ۱۰

کلینتون تلاش رهبران آفریقای جنوبی

را مورد تمجید قرار داد

خلاصه مقاله از بوستن کلوب - چاپ آمریکا تاریخ، ژوئیه ۱۹۹۳

کلینتون در مقرر تولد آمریکا (تالار استقلال) در فیلادلفیا) به رهبران آفریقای جنوبی به نلسون ماندلا و ف و دوکلرک مدال آزادی داد.

کلینتون در سخنرانی خود خطاب به مردم آمریکا گفت ما باید این راه خاطر سپاریم که رئیس دولت سفیدپوست آفریقای جنوبی و ماندلا رهبر سیاهان که ۲۷ سال در زندان سربرده، می‌توانند هم اکنون در کنار یکدیگر قرار بگیرند. او گفت: "نژادپرستی تجملی است که ما استطاعت آن را نداریم."

کلینتون در تمجید از ماندلا گفت که او پس از ۲۷ سال "تسلیم نشده، پیمان نشکسته و شاد و خوشرو" از زندان به بیرون قدم گذاشت. او دوکلرک ۵۷ ساله را نیز در مورد "شجاعت و پیگیری در نابودی نژادپرستی" مورد ستایش قرار داد.

در زمانی که این سه رهبر سخنرانی می‌کردند صدای تظاهرکنندگان از چند خیابان دورتر به گوش می‌رسید. اکثر تظاهرکنندگان مخالفت خود را در مورد حضور دوکلرک نشان می‌دادند.

زمانی که از کلینتون سوال شد آیا نگرانی در

مورد آفریقای جنوبی دارد بانه، او گفت: "نه، زیرا انتخابات در آفریقای جنوبی آزادی را دنبال خواهد داشت و اینها مجبورند که در کنار یکدیگر قرار بگیرند."

نلسون ماندلا نیز از ایالات متحده خواست تا بدست آمدن آزادی از این نایستند. "و تقاضای سرمایه گذاری های اقتصادی و کمکهای تکنولوژیکی بسیاری دوره جدید کرد. کلینتون نیز قول کمک داد و گفت که از رهبران هفت کشور صنعتی که قرار است او را این هفته در توکیو گردآوری کنند، نیز چنین درخواستی را خواهد کرد."

دوکلرک در سخنرانی خود عناصر رادیکال چپ و راست را در آفریقای جنوبی مورد انتقاد قرار داد و با نقل قول از نلسون ماندلا گفت که "زمان آنکسسه سلاح‌هایمان را به دریا بریزیم فرارسیده است."

شاید جالب ترین بخش این ملاقات، سخنرانی کشیش لئون سالیوان سیاهپوست فعال و آزادیخواه در فیلادلفیا بود. صدای او در بلندگوها طنین انداخته بود او گفت "ماندلا تنها دلیلی است که ما اینجا هستیم"، "او کیمیای بشریت است."

وقتی از ماندلا در مباحثه مطبوعاتی سوال شد که در مورد اینکه مدال افتخار به هر دو آنها داده شده است چه احساسی دارد او گفت، این مدال توسط مردم فیلادلفیا به من داده شده است و من خوشحالی آنرا قبول می‌کنم و بر اینم فرق ندارد چه کس دیگری آنرا دریافت می‌کند.

برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۲

۲۸ مرداد ۱۳۵۸ - اعلام جهاد خمینی علیه خلق کرد
۳۰ مرداد ۱۳۵۸ - اشغال دفتر مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در تهران توسط مزدوران و چماقداران رژیم خمینی

۳ مرداد ۱۳۶۰ - آغاز کار رادیو "صدای مجاهد"
۲۲ مرداد ۱۳۶۲ - شهادت کاک اقبال کریم نژاد از فرماندهان حزب دمکرات کردستان ایران و ۱۶ پیشمرگه قهرمان این حزب در درگیری نظامی با نیروهای رژیم خمینی

۲ مرداد ۱۳۶۳ - حمله مزدوران رژیم خمینی به اعتصاب کارگران کارخانه کانادا در ای و بخون کشیدن ایشان
اعتصاب

۶۷/۵/۳ - آغاز عملیات تاریخی فروغ جاویدان
۶ مرداد ۱۳۶۷، رژیم خمینی قتل عام زندانیان سیاسی ایران را آغاز و طی چند هفته، هزاران نفر از زندانیان سیاسی را بطور وحشیانه قتل عام نمود. در سالروز این جنایت بزرگ، یاد و خاطره همه شهدای خلق را گرامی می‌داریم.

خارجی:

از ۲۳ ژوئیه تا ۱۳ اوت

۲۴ ژوئیه ۱۷۸۲ - تولد سیمون بولیوار، یکی از چهره های انقلابی و ملی آمریکای لاتین
۵ اوت ۱۸۹۵ - مرگ فردریک انگلس، آموزگار پرولتاریا

وزحمتکشان جهان

- ۱ اوت ۱۹۱۴ - آغاز جنگ جهانی اول
- ۲۵ ژوئیه ۱۹۳۵ - آغاز کارکنگره هفتم کمینترن
- ۱۲ اوت ۱۹۴۵ - استقرار جمهوری دمکراتیک ویتنام در شمال این کشور
- ۶ اوت ۱۹۴۵ - بمباران اتمی شهر "هیروشیما" در ژاپن توسط امپریالیسم آمریکا
- ۱۹ اوت ۱۹۴۵ - بمباران اتمی شهر "ناگازاکی" در ژاپن توسط امپریالیسم آمریکا
- ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۲ - قیام افسران جوان مصر به رهبری جمال عبدالناصر فقید
- ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۳ - حمله انقلابیون کوبا به رهبری فیدل کاسترو به پادگان مونکادا
- ۲۳ ژوئیه ۱۹۶۱ - تاسیس جبهه ساندنبرگست در نیکاراگوئه
- ۱۲ اوت ۱۹۷۴ - مقاومت قهرمانانه فلسطینی‌ها در اردوگاه تل زعتر پس از آهروزی در جریان توطئه مشترک اسرائیل، دولت سوریه، جنبش ارتجاعی امل و فالانژیستهای لبنان شکسته شد.
- ۱۲ اوت ۱۹۷۵ - امضاء موافقت نامه هلستینکی توسط دولتهای آمریکا و شوروی و حمایت تعدادی دیگر از دولتها از این موافقت نامه

گزارشی از ایران

از صفحه ۸

خواب از چشمان مزدوران خائن رژیم ربوده و می‌رود تا سرتنگونی بقایای رژیم خمینی را به همراه آورد. سرتنگون با در رژیم ضدبشری خمینی مرگ بر ارتجاع - زنده باد آزادی (ج - ۱) ۲۲/۴/۲۱ تهران

گزارش سالانه عقوبین الملل

سازمان عقوبین الملل گزارش سال ۱۹۹۲ خود را در تاریخ ۱۷ تیرماه ۱۳۷۲ منتشر کرد. در این گزارش از اعدام ۳۳۰ نفر در ایران که دهها نفر از آنان زندانی سیاسی بوده‌اند، صحبت شده است. در این گزارش به دستگیریهای دسته جمعی، محاکمات غیرعادلانه و اعدام‌های سریع بدنبال تظاهرات سال گذشته در چندین شهر صورت گرفته، اشاره می‌شود. گزارش می‌افزاید که در سال ۱۹۹۲ "مدهاتن از زندانیان سیاسی از جمله زندانیان به خاطر عقیده و فکر در میان کسانی بوده‌اند که در طی سال دستگیر شده‌اند".

در گزارش عقوبین الملل نوشته شده که "شکجه زندانیان در سراسر کشور همچنان مرسوم است. به گفته زندانیان سابق معمول ترین متدها، زدن با کابل و قنடை سلاح بر پشت و کف پاها، آویزان کردن برای مدتی طولانی به طور معلق و سوزاندن با سیکار می‌باشد. آنها گفتند شکجه عمدتاً برای گرفتن اعتراف و کسب اطلاعات در مورد فعالیت‌های سیاسی اپوزیسیون می‌باشد".

معرفی کتاب

"چریگری اسلامی، تهدید جدید جهانی"

کتاب "چریگری اسلامی، تهدید جدید جهانی" نوشته آقای محمدسیدالمحدثین مسئول کمیسیون روابط بین المللی شورای ملی مقاومت که به زبان انگلیسی نگارش یافته، توسط انتشارات "سیون لاکس پرس" در ۱۵ فصل همراه با ضمیمه‌ها و پاورقی‌های مشروح در ۲۵۰ صفحه در امریکا انتشار یافت. در جلسه معرفی این کتاب ۱۶۰ تن از شخصیت‌های سیاسی، پژوهشگران، تحلیل‌گران، نویسندگان و روزنامه‌نگاران مشهور امریکا شرکت داشتند. محمدسیدالمحدثین در این جلسه سخنرانی نمود. وی اظهار داشت که: "دگرگونی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به خصوص در سالهای اخیر، نظیر پایان جنگ سرد پس از سقوط شوروی سابق و شکست ناسیونالیسم عرب به خمینی این فرصت را داد که چریگری اسلامی را از فرقه‌های منزوی به یک جنبش اجتماعی در جهان اسلام و یک روند تروریستی در محنه بین‌المللی تبدیل بنماید. مشکلات اجتماعی - اقتصادی کشورهای مسلمان نیز به خمینی کمک کرد تا بنیاد گرای اسلامی را به عنوان جایگزین ارائه نماید. خدیت با تمدن غرب در تمامیت آن، سرکوب‌کننده سیاسی و اجتماعی، توسعه طلبی و عدم اعتقاد به قوانین بین‌المللی و استفاده از تروریسم کور و افسار گسیخته به متاد محوری ترین تاکتیک، برجسته ترین مشخصات چریگری هستند. مشخصاتی که رژیم خمینی و همه جریان‌های چری در آن وجه اشتراک دارند." در پیش گفتار این کتاب دوش از محققان برجسته خارجی، خانم جرجی آن کاپر نویسنده روزنامه نگار معروف امریکایی و خانم پروفیسور داونیا میلر استاد دانشگاه سالفورد انگلستان، درباره کتاب اظهار نظر کرده‌اند.

تلگرام دبیر ارشد شورای ملی مقاومت ایران به نخست وزیر سوئد

آقای کارل بیلدت

نخست وزیر سوئد - استکهلم

آقای نخست وزیر،

با کمال تأسف، از تشدید اقدامات تروریستی و تمهیدات مزدوران دیکتاتوری تروریستی - مذهبی آخوندها طی روزهای اخیر علیه پناهندگان و مخالفان ایرانی در کشور شما مطلع شدم.

روز جمعه ۴ تیرماه تروریست‌های اعزامی از سوی رژیم آخوندها به استودیوی رادیوی فارسی زبان "آرش" که در برنامه‌های خودش به افشای نقض مستمر و وحشیانه حقوق بشر توسط رژیم خمینی پرداخته بود، حمله برده و کلیه امکانات این رادیو را به سرقت بردند.

دوشنبه شب، ۷ تیرماه نیز مزدوران رژیم به منزل مسکونی مدیر یکی دیگر از رادیوهای فارسی زبان دستبرد زده و اموال وی را غارت کردند. این رادیو، که "رادیو تهران" نام دارد، همان روز فعالیت‌های تروریستی رژیم علیه ایرانیان مقیم سوئد را افشا کرده بود.

هم چنین در جریان تظاهرات هواداران مجاهدین در استکهلم، برای بزرگداشت ۳۰ خرداد، رژیم آخوندی تعدادی از عناصر اطلاعاتی خود را برای کسب اطلاعات و زمینه سازی اقدامات تروریستی بعدی، به محل فرستاده بود.

آقای نخست وزیر،

ملاحظه می‌کنید که این روزها بویژه پس از شکست فزاینده بار نمایش انتخاباتی ماه گذشته، رژیم خمینی خود را به شدت نیازمند قدرت نمایی و ایجاد جو غرب و وحشت در بین ایرانیان مقیم خارج و از جمله سوئد یافته است. کمالاتی که طی ده سال گذشته در جریان بیش از ۹۰ حمله تروریستی در شهرهای مختلف جهان، ۲۹۳ تن از پناهندگان سیاسی و مخالفان ایرانی را به قتل رسانده و یا مجروح نموده است.

بدیهی است هر نوع مماشات و بی تفاوتی در قبال این تشیبات تروریستی در خاک کشور شما و عدم اتخاذ اقدامات لازم و جدی برای حفاظت از اموال و سلامت پناهندگان سیاسی، آخوندها را در گسترش فعالیت‌های تروریستی خود در سوئد جری تر خواهد نمود.

شورای ملی مقاومت ایران از شخص شما خواهان مداخله فوری و محدود دستورات لازم برای تأمین امنیت پناهندگان سیاسی ایرانی در سوئد، تعقیب و به مجازات رساندن تروریست‌های رژیم قرون وسطایی خمینی و نیز تعطیلی نمایندگی‌های این رژیم در کشور می‌باشد.

با احترام - محسن رضایی

دبیر ارشد شورای ملی مقاومت ایران

۱۲ تیرماه ۱۳۷۲ (۳ جولای ۱۹۹۳)

حملات تروریستی اخیر رژیم در سوئد

اطلاعیه شورای انجمن ورزشی آرش (شماره ۱)

هموطن عزیز،

در تاریخ جمعه ۴ تیرماه محل انجمن آرش واقع در "شیتا" مورد دستبرد سارقین قرار گرفت که طی آن کلیه دستکاهای استودیو رادیو آرش، مدارک و وسایل اداری انجمن و مقداری وجه نقد به سرقت رفت.

باتوجه به شواهد موجود و مدارکی که پلیس به دست آورده، این عمل یک سرقت عادی نبوده، بلکه ردیاب عوامل مشکوک که در خدمت رژیم تروریستی جمهوری اسلامی می‌باشند در آن مشاهده می‌شود. قصد آن تنها خاموش کردن این صدا می‌باشد. ما به محض کامل شدن اطلاعات، هموطنان عزیز را در جریان جزئیات این عمل ضد دموکراتیک قرار خواهیم داد. ضمن تشکر و قدردانی از شنوندگان این صدا که با تماس‌های خود ما را در ادامه این راه هر چه مضمّن کردند، به اطلاع همه عزیزان می‌رسانیم. باتوجه به حجم بالای برنامه‌های صدای آرش، یعنی ۱۷ ساعت در هفته، ما تازه اندازی مجدد استودیو آرش تنها چهارشنبه شبها از ساعت ۲۱ الی ۲۲ برنامه خواهیم داشت.

"شورای انجمن ورزشی آرش"

۲ تیر ۷۲

اطلاعیه شورای انجمن ورزشی آرش (شماره ۲)

هموطن عزیز،

به دنبال افشای تعدادی از رادیوهای فارسی زبان و بعد از تهاجم جمعه گذشته به استودیو رادیو آرش، شب گذشته دوشنبه ۷ تیر (۲۸ ژوئن ۹۳) ساعتی بعد از محاصره افشاگرانه رادیو تهران با مسئول انجمن آرش در رابطه با اعمال تروریستی رژیم خمینی، خانه مسئول رادیو تهران مورد دستبرد قرار گرفت و اموال وی به غارت رفت.

این عمل شکی باقی نمی‌گذارد که سفارت رژیم با استفاده از مزدورانش و دروازه‌ها از افشای شدن توطئه‌هایش و برای ایجاد جو غرب و وحشت در میان پناهندگان ایرانی، اقدام به چنین کاری نموده است. کوی رژیم تروریستی حاکم بر ایران خیابانهای شهر استکهلم را با خیابانهای تهران اشتباه گرفته که هر روز با سوارانش را در آن به جان مردم بی گناه می‌اندازد و آنها را به جرم واهی گناهی نظیر بدحجابی و زدن عینک آفتابی و ... مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد.

ما ضمن محکوم کردن این عمل، از تمامی هموطنان آزاده انتظار داریم برای حفظ حریم آزادی ساکت ننشینند و در افشای این گونه حرکات در حد امکان و توان بکوشند و هم چنین از مقامات دولت سوئد و مسئولین اداره مهاجرت می‌خواهیم به حمایت از پناهندگان ایرانی برخاسته و از اعمال تروریستی این رژیم وحشی سانسور به عمل بیآورند.

شورای انجمن ورزشی آرش

سه شنبه ۲۳ ژوئن ۱۹۹۳ (۸ تیر ۷۲)



گفتگویی مشروح با کارشناس طراز اول جنبش های مذهبی بنیادگرای اسلامی - یهودی - مسیحی

از مجله هفتگی الوطن العریبی
شماره ۸۴۱ - مورخه ۱۹۹۳/۴/۱
مترجم: مزده

س - چه میزان رهبری واحدی برای عملیات خشونت آمیز بنیادگرایان اسلامی در جهان (عرب + اسلام) وجود دارد. کانالهای تامین ارتباطات، اعتبارات و اطلاعات آنان چگونه و اهداف سیاسیشان چیست؟

ج - بنظرم يك رهبری واحدی برای تمام گروههای بنیادگرا که به خشونت متوسل شده‌اند وجود ندارد. چنانکه مدعی اند هیچکدام از آنان علائق ملی ندارند بلکه سازمانی مثل (کمینترن) که احزاب کمونیست راهمانگ می‌کرد در این مورد نیز وجود دارد و مجموعه ای از ارتباطات بین آنان عمل می‌کند و حداقل دوجبه تشابه دارند. اول: مخالفت با حکومت ها دوم: زندگی در مهاجرت. دیدارهای رهبران این گروهها در پاریس، لندن، حومه شیکاگو و واشنگتن انجام می‌گردد و گروههایی مثل (حماس) (نجات الجزایر) (جهاد مصر) در این نقاط اکثر کارهایشان انجام می‌شود.

برای آنکه رهبری این جریانها را بشناسیم (رهبری ای مثل کمینترن) باید تغییرات بنیادی در سیاستهای آنان و همچنین تعادل جدیدی را که پس از جنگ خلیج بوجود آمده را پیگیری نماییم. قبل از این تاریخ دونوع از این گروهها وجود داشت.

اول: گروههایی که معتقد به تز (تحول اجتماعی از بالا) بودند مثل گروه (جهاد) در مصر که ششم اکتبر ۱۹۸۱ انور سادات را ترور نمودند و (جبهه ملی اسلامی) به رهبری (حسن ترابی) در سودان که قصد داشت ابتدا حکومت را سرنگون نموده و خودجایگزین آن شود سپس افکار و عقاید خود را به جامعه بقبولاند و با مثل آنچه در الجزایر اتفاق افتاد یعنی مشارکت در حکومت برای کسب قدرت (که مهمترین هدف است) و سپس اجرای شریعت اسلام (که از نظر هر کدام متفاوت است) و اساسا غیر از دومورد یکی بنیادگرایان سنی در سودان و دیگری بنیادگرایان شیعه در ایران دیگر جریانها بنیادگرای اسلامی از قدرت گیری محروم شده‌اند.

دوم: گروههایی که تز (تحول اجتماعی از پایین) را قبول داشتند و از اواسط دهه هشتاد شروع به

فعالیت کردند. کارکرد این نوع جریانها به این شرح است: ابتدا مردم را نسبت به فرهنگ و سنت همسای موجود در جامعه که به نظر آنان کفر آمیز است بدبین می‌نمایند و بعدیه ایجاد گروهها و هسته‌های نمونه می‌پردازند. این گروهها هسته‌ها با الهام از (بنیادها) مردم را در عرصه‌های مختلف پوشش، خوراک و فرهنگ خاص راهنمایی می‌کنند و بدین گونه مجتمع‌های کوچک ایجاد گردیده و کم کم این مجتمعها گسترش می‌یابند تا بتوانند نظرات خود را به تمام جامعه بسط و گسترش دهند. جبهه نجات الجزایر این شیوه کاری را مدنظر داشت که به ایجاد تعاونی‌ها و جمعیت‌های خیریه جهت ایجاد الترانتوی برای حکومت که نمی‌توانست این نوع کمک‌ها را به مردم بنماید، اقدام نمود. در حکومت الجزایر که فساد اداری و رشوه‌خواری بیداد می‌کرد جبهه نجات به ایجاد روابطی در مجتمع‌های کوچک پرداخت که پایبند به شریعت اسلامی مدد مد بود و این جریان تا جنگ خلیج ادامه یافت و در آنجا تحول عمیقی صورت گرفت. بدین گونه که تا آن زمان جبهه با دولت اتحادناکتیکی داشت و از آن حمایت می‌کرد و از کمک‌های مالی دولست برخوردار بود در جریان جنگ خلیج از این کمک‌های مالی که قابل توجه هم بود علیه خود دولت استفاده نمود و مقابل دولت ایستاد. قبل از آن حتی اگر اتحادی هم در بین نبود لااقل تهاجمی به دولست نمی‌شد. مسلماتا قبل از جنگ خلیج يك اتحاد در الجزایر بین جناح‌های احمد طالب ابراهیمی - محمد شریف مساعده و عباس مدنی که از سال ۱۹۵۴ سه جریان آزادیبخش ملی بیوسته بود و به این خاطر تا سال ۱۹۶۲ زندانی بود، وجود داشت. این اتحاد بعد از جنگ خلیج از هم گسست و عده‌ای از اعضا و هواداران (حرکت اسلامی) "محافظة کار" به (رادیکالها) پیوستند و مجموعا تمام جریانها در مورد ائتلافها به تردید افتادند. در این دوره پیوستن به رادیکالها و سلاح بدست گرفتن، رفتن به خانه دشمن، تعبیر شد، اما روند این قضیه همچنان ادامه داشت تا حدی که چیزی از (جبهه نجات) باقی نمی‌ماند ولی اکنون (بنیادگرایان مسلح) در الجزایر بخشی از جبهه نجات می‌باشند و بخش دیگر این جبهه رادیکالهایی می‌باشند که وابسته به جریانها دیگرند و چنین جریانی در مصر هم یافت می‌شود بنام (جماعت اسلامی) و اینها نیز با حکومت و دستگاههای دولتی به طریق افراطی و با اقدامات تروریستی برخورد می‌کنند.

در الجزایر دولت و جریانها اسلامی هردو در دو باطلی افتاده‌اند که در این میان مردم سرگردانند و هردو هم سعی می‌کنند که طرف مقابل را از بین ببرند و مردم بیشتری را به خود جلب نمایند و این دورگشت و کشتار ادامه دارد.

س: بنظر شما تفاوتی بین "جهاد" و "جماعت اسلامی مصر" وجود دارد؟

ج: جماعت اسلامی گروهی است متشکل از تندروهایی که در کادر جنبش دانشجویی فعالیت می‌کردند و از جانب محمد عثمان اسماعیل، استاتسدار (اسیوط) در دهه هفتاد حمایت می‌گردیدند و سادات نیز از آنان بدلیل مخالفشان با طرفداران ناصر حمایت

می‌نمود. این دانشجویان تحت تاثیر نوشته‌های سید قطب و بویژه کتاب "آشنایی باره" وی بود که از اخوان المسلمین انشباع نموده و دست به خشونت زدند. نکته‌ای که باید یادآور شوم اینکه هیچ رابطه‌ای بین نام این گروهها با اهداف و عملکرد آنان وجود ندارد و مثلا گروه (تکفیر و هجرت) که در سال ۱۹۷۰ (محمد ذهبی) وزیر اوقاف را ترور کرد ترکیبی از گروههای مسلح می‌باشد و از سیستم‌های نظامی متعارف چیزی ندارد و هر گروه آن اعمال خاص خود را انجام می‌دهد یا هر از چندگاهی يك نفرینون رهبر خود مطرح کرده و عده‌ای دنبالش می‌رفتند. اما گروه جهاد در زمان انور سادات دو جناح بودند اول جناحی از روستاها به رهبری (عبودالزمر) و دوم جناحی که در قاهره بودند به رهبری "خالد اسلامی" و منسز متفکر این گروه فردی بود بنام (عبدالسلام فرج) صاحب کتاب فریضه غایب و (عمر عبدالرحمان) دربار سازی تشکیلات جهاد در اسبوط نقش موثری داشت. وی فتوای حلال بودن سرقت طلا و پول برای خرید سلاح را صادر کرد. من مطمئن هستم که رهبری واحدی برای گروههای مسلح اسلامی وجود ندارد. ولی برخی در این مورد شك دارند. مثلا "رایج کبیر" می‌گوید، مادر رهبری جبهه نجات تمام نیروهای مسلح را در هر کجا که باشند تحت امر خود داریم. ولی من در این گفته تردید دارم. ممکن است چند گروه مدد در رهبری واحدی را داشته باشند اما گروههای مستقلی که اکثریت را تشکیل می‌دهند وجود دارد. این گروهها در چارچوبهای محلی خود فعالیت و رهبری خود را نیز دارا هستند. این رهبران محلی برای دیگر رهبران آمار و ارقام عملیات و ترورهای خود را به عنوان نشانه‌های برتری اعلام می‌نمایند.

س: چرا شهر فرانکفورت محل تجمع بیشتر رهبران بنیادگرای عرب است؟

ج: من فکر نمی‌کنم فرانکفورت مرکز تجمع آنان باشد بدلیل اینکه آنان بعنوان پناهنده سیاسی در تمام نقاط دنیا حضور دارند و بیشترین آنان در بریتانیا و ایالات متحده مستقرند.

س: چگونه اسلامی‌های الجزایر جنگ خونخوار سازماندهی می‌کنند؟ ما شاهد گسترش و رشد عملیات آنان هستیم مثل عملیات علیه منطقه نظامی بوغزول در جنوب پایتخت یا عملیات نافرجام علیه بانسک عفرون.

ج: این نقشه‌های عملیاتی که فعلا اجرا می‌شود دقیقا مشابه نقشه‌هایی است که در جنگ با فرانسویان انجام می‌شد یعنی بین سالهای ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۲. دامنه آن شامل مناطق اوراس در الجزیره و حومه آن و بخش کوچکی از منطقه "وهران" در غرب الجزایر است که در این مناطق از طرف ساکنین محل بدون سروصدا حمایت می‌شوند و بدون این حمایت‌ها امکان تداوم عملیات آنان وجود ندارد چرا که این حمایت شامل پوشش‌هایی است که نیاز اصلی اینان می‌باشد. از آنجا که حکومت بخش عظیمی از پایگاه اجتماعی آنان را سلب نموده چشم انداز قدرت گیری این گروههای مسلح وجود ندارد و با این واقعیت که جمهوری اسلامی ظرف چند هفته آینده در الجزایر تشکیل نخواهد



گردید و این گروهها ضربه اساسی خورده‌اند اما هنوز بعنوان يك تهدید وجوددارند تهدیدی برای امنیت سیاسی و اجتماعی کشور که این يك خطر محسوب می‌شود و در مقابل صداقت حکومت و همچنین قدرت آن در معرض آزمایش قرار دارد.

س: شما گفتید که بنیادگرایان اسلامی (سنی) دلیل اینکه قدرت اجتماعی خود را از دست دادند عملیات خشونت بار و تندروانه را در دستور کار خود قرار دادند یعنی بالعکس بنیادگرایان (شیعه) بخصوص از دهه هفتاد تا حال پیروزی جبهه نجات اسلامی الجزایر در انتخابات ژوئن ۱۹۹۰ که فاصله‌ای تا کسب قدرت نداشت را چگونه توضیح می‌دهید؟

ج: تردیدی وجود ندارد که ترمیم اجتماعی اروپا در جامعه الجزایر فضای سیاسی را منقبض جبهه نجات تنگتر داده بود و شروع آن از مساجد بود که ارگانهایی را ایجاد کرده بودند و فشار بسیار زیادی برای عری نمودن زنان می‌آوردند.

س: از وقایع نوامبر ۱۹۸۸ حکومت مجبور شده بود جبهه نجات را به رسمیت بشناسد و از جناح عری اسلامی (جبهه آزادیبخش) به آنان کمک‌های انسانی گیرد که این کمک‌ها راه را برای دست‌انگیزی جبهه نجات به قدرت باز نمود و از طریق حضور در شهر - دارالجمعا و سایر ارگانها، جبهه نجات توانست تمامی کسانی را که به سر اصلاح جامعه از باین منتقد بودند متحد گرداند. سوئزه در مناطقی که نسبت به حکومت بدین نفوذ خود را گسترش دهد.

بنیادگرایی یهودی

س: در غرب بحث بنیادگرایی اسلامی و خشونت - های ناشی از آن چه در الجزایر و چه در مصر وارد رانها است اما برده‌ای ضمیمه بر روی بنیادگرایی یهودی کشنده می‌شود، چه بنیادگرایان یهودی در آمریکا و چه در ایفای اشغالی مثل جریان خاخام‌ها با جریان گوش آموئیم، در این مورد نظرتان چیست؟

ج: گوش آموئیم در نظر دارد که یهودیان را به اصل خود رجعت دهد مثل جریانات اسلامی که سعی در بازسازی جوامع بر مبنای اسلامیت دارند با همچنان که مسیحیان (و نا اخص انجیلی‌ها) جریانات اعاده جوامع بر مبنای مذاهب خود را دارند گوش آموئیم خواهان ایجاد جامعه تمام یهودی (پان یهودیسم) در مقابل جامعه فعلی اسرائیل (صهیونیستها) است زیرا جامعه فعلی را (علمی - سوسیالستی) می‌داند و نه الهی. حرکت این جریان به دومنای سرزمین اسرائیل و کتاب تورات انجام می‌گیرد، بیشتر یسین فعالیت آنان در حال حاضر گسترش مجتمع‌های یهودی نشین در ارضی اشغالی می‌باشد و با تخریب محسوس برای سناکه مصر و اسرائیل در کمپ دیوید برای نخلیه آن موافقت کرده‌اند شدیداً مخالفند و دلیل آنرا الهی می‌داند چون معتقدند این سرزمین از طرف خدا برای یهودی‌ها معین شده است، این سازمان هیچگاه نتوانسته تا نسبت هزار عضو جذب کند اما تاثيرات عمیقی در اندیشه‌های اجتماعی اسرائیل در تحولات سالهای هفتاد به بعد داشته است و با آنکه سسه خشونت و ترور دست می‌زند باز هم بنظر من بعنوان يك

جریان بنیادگرایی محسوب نمی‌شود، يك گروه دیگر بنام صراطیون وجود دارد که لباس سیاه به تن می‌کنند (مانند لباس لیتوانی‌ها در قرن هفدهم) و بیشترین اعضای آن از یهودیان شرقی سوئز و یهودیان عربی است، گروه دیگر چوف است با تبار گشت به یهودیت، جریان توبه نیز با تبار گشت کامل برای وابستگی به شریعت یهودی وجود دارد، هر يك از این جریانات کانسسون طریقت یهودی ویژه‌ای برای خود دارند، سالهای صحت و هفتاد برای یهودیان مثل مسلمانها و مسیحیان سالهای اعاده افکار و عقاید بازگشت به خوشترستن جهت ایجاد موانع یهودی بود و جنگ ۱۹۷۳ در حماسه مجدد ورشد این عقاید بسیار موثر بود که گوش آموئیم به تروریسم روی آورد، اتومبیل‌های شهسرداران فلسطینی را منفجر و خشونت خونینی را آغاز نمود، اینان خود را کفیل دولت که بنظر آنان ناتوان نبود می‌دانستند و از آنجایی که دولت نمی‌توانست بسا نمی‌خواست آنان را مجازات کند اعمال آنان بطور متعاضف تشدید می‌گردید تا جایی که نقشه انفجار مساجد صخره و لاقصی را طراحی نموده بودند، شهادت‌های عجیبی بین گروه جهاد در مصر که سادات را در ۱۹۸۱ ترور نمود با گروههای یهودی که فوقاً نام برده شد، وجود دارد، این شهادت‌ها به لحاظ زده مذهبی، بایگه اجتماعی و فرهنگ یهودی و مسلمانها معتقد به تحول اجتماعی از بالا است، این به معنای خشونت علیه دولت با شعار سرنگونی در ابرخ و وقت است، فقها و مردان دینی با اعمال خشونت آمیز مخالفند و این نکته را توضیح و ترویج می‌کنند کسسه فقهای واقعی از فرماندهان و آمران تروریسم جدا نیستند، قرضی گران گوش آموئیم بعد از تهاجمات گسترده از جانب مردان سیاسی چپ و ساستمداران به تفسیر تاکتیک خود برداختند، یعنی به جای تز اصلاح از بالا، اصلاح از پایین را شعار خود نمودند، مهمترین بایگه این گروه بست حداسه در شهر الخلیل است، در آنجا چند مجموعه مسکونی باسیم خاردار محصور گردیده که در یکی از این خانه‌ها رهبران گروه در انتظار آن است که هر لحظه بتواند قدرت را برای ایجاد دولت واقعی یهود بدست گیرد، در صحنه سیاسی بعد از اینکه گوش آموئیم کنارت رفت گروه خریدیم جای آنرا گرفت، در حال حاضر تروریسم یهودی نمودن جامعه از باین ورنه و اعتبار خاصی در انتخابات دارد که هیچ دولتی بدون ائتلاف با این ارتدوکسی حائمی تواند دوام بساورد و هیچک از این گروه‌ها دلیل عدم اعتقادشان سسه حاکمیت فعلی حاضر نیستند که خود دولتی تشکیل دهند و تنها به مشارکت در دولت اکتفا می‌کنند، اینم دلیل اینکه فقط در صحنه حضور داشته باشند و از طریق ارگانهای دولتی تاکتیک یهودی نمودن از باین را بهتر انجام دهند.

س: ولی اینطور پیدا است که این گروههای یهودی آنقدر که علیه اعراب اعمال خشونت می‌کنند علیه حکومت اسرائیل "صهیونیستها" عمل نمی‌کنند؟ یعنی هرگاه رابین در کشتار اعراب قهور کند یکی از این گروهها وارد عمل شده و این کوتاهی را جبران می‌کند.

ج: در واقع تفاوت‌هایی سن این گروههاست، برخی از تندروهای یهودی اساساً حکومت اسرائیل را سسه

رسمیت نمی‌شناسند و در محدوده خود دولتی محسوب می‌شوند و برخی دیگر علیه حکومت اسرائیل عملیات هم می‌کنند، در آوریل ۱۹۸۴ پلیس اسرائیل اغضای يك گروه تندروی یهودی را بازداشت نمود که مشکوک به دخالت در کشتار دانشجویان دانشگاه اسلامی الخلیل بودند و این زمانی بود که آنان قصد انفجار چندین اتوبوس متعلق به اعراب را داشتند و قتل هم گفتند که طرچهایی بدست آمد که انفجار مساجد صخره و لاقصی را مدنظر داشتند، اینسان می‌خواهند حکومت را تحت تاثیر قرار دهند ولی هیچ مانعی در تداوم خشونت و کشتار آنان وجود ندارد، در پارلمان اسرائیل طرفداران گروه خریدیم (یعنی کسانی که از خدمات ترسند) روز به روز افزایش می‌یابد، آنان از مردم می‌خواهند که از گناهان توبه کنند و به امر و نهی گردن گذارند و عبادات روز شنبه را انجام دهند.

بنیادگرایی مسیحی

س: در مورد بنیادگرایی مسیحی توضیح بدهید، موقعیت آنان نسبت به اسلامها و یهودیها چگونه است، مشخصات آنان چیست و آیا آنان نیز دست به خشونت و تروریسم می‌زنند؟

ج: پس از فروریختن دیوار برلین عنصر مذهب بعنوان الفترانتو کمونیسم مطرح گردید و لهستان محلی نمونه برای بازگشت اروپا به سبب گردیده، لهستان هدف اصلی ژان پاپ یل دوم بود، وی به هر شیوه و شکلی آنرا در دستور کار گذاشته بود، اینسین گروهها اولین هدفشان مخالفت با لاهوتی های آزادخواه است و بعد فشار آوردن به حکومت بسا دینمایی به حکومت بحاطر آنکه به مبنای اصلاح از بالا، عدالت اجتماعی مورد نظر خودشان را جاری نمایند و این برعکس کاری است که منظور اسلامها است، آنهم در جوامعی که عمدتاً طرفدار علمیم و طرفداران غرب وجود دارند.

گروههای بنیادگرایی مسیحی بدنبال ایجساسد جوامعی متشکل از مسیحیان بی اعتقاد هستند، این جوامع را در مناطقی تشکیل می‌دهند که علم نفوذ زیادی دارد و مردم به مذهب بی تفاوت گشته‌اند و این در حالی است که به غیر از چند نقطه در لهستان و اسلواکی هیچ اعتقادی به مسیحیت در بین جوانان وجود ندارد، این گروهها مبنای حرکتشان بر اساس مخالفت با حکومت است که آنرا باعث فقر در جامعه می‌دانند و سیستم‌های موجود را ظالم معرفی می‌کنند و سیستم پیشنهادی خود را بعنوان سیستمی که عدالت مظهر آن است معرفی می‌کنند، این گروهها با طرح اینگونه ایده‌ها، بین طبقات مغلوب، کلیسا و جهان بایگه خود را گسترش می‌دهند و تبلیغ این نظرات باعث انشعاب در کلیسا گردیده است، ایجاد این جریان بر مبنای يك تفکر شکل گرفت که معتقد است، چون پشرفت تکنولوژی و علوم به کم شدن نقش انسان منجر شده و عقل بر امان مسلط گردیده، ناصر این طرفداران علم مستحق محاکمه هستند، همسان گونه که در مورد لاهوتی عمل می‌شود.

س: طلابه داران این انقلاب که برای حسل مسائل اجتماعی علیه علم و اندیشه مبارزه می‌کنند





تا ایمان را بازگردانند کیستند؟

ج: کاردینال "لوسیجید" و کاردینال "ارتزنیفر" که هر کدام شیوه‌ای جداگانه دارند، لوسیجید اسقفی درباری است که در خانواده‌ای یهودی ولستانسی الاصل بدنیا آمده است. وی معتقد است که دنباله روی از عقل بود که جنایات نازی‌ها و استبداد استالین را در پی داشت و خلاصه فراموش نمودن خدا باعث تمام جنگ و شرارت هاست. این مبنای اعتقادی چریک‌گرایان یهودی و مسلمان نیز می‌باشد که هر کدام به شکلی مطرح می‌کنند.

س: گفته می‌شود که جریان عمده در گروه‌های بنیادگرای مسیحی انجیلی‌ها هستند و محدود کاریشان نیز ایالات متحده است.

ج: بنظر من منظور شما از انجیلی‌ها (جیم باکسر) باشد که به اختلاس‌های مالی متعدد مشتم گردیدند. در جریان محاکمه جیم باکسر در سال ۱۹۸۹ توفان‌های عظیمی بوجود آمد که طرفداران وی معتقد بودند نشانه غضب خداوند است که از این محاکمه مشوش گردیده است. امپراطوری جیم باکسر در دینتونی لندن واقع بود که پایان آن باورشکستگی و سرودن زینت‌های همراه بود. انجیلی‌ها برنامه‌های تلویزیونی برای تبلیغ نظرات خود ایجاد کردند که اهم کار آن موضع گیری علیه لیبرال‌های طرفدار پروتستانها بود که این لیبرالها مبلغان اندیشه‌های نوین عصر ما بودند. انجیلی‌ها اعتقادات انجیل (چه قدیم چه جدید) را لازم الاجرا می‌دانستند. دوش از پایه گزاران این گروه "بیلی کراهام" و "اروال روبرتی" هستند.

این بنیادگرایان در میان پنج‌هفتاد پروتستانی (بطور ویژه مطرح بود که بعدها میان کاتولیک‌ها نیز گسترش یافت و با وجود اهمیتی که در آمریکا داشت بدلیل اعتقاد به اصلاح از پایین تنها در چارچوب آمریکا نماند و به خارج نیز گسترده شد.

انتخاب رونالد ریگان در ۱۹۸۰ و انتخاب مجدد وی در ۱۹۸۴ بوسیله این گروه‌های سیاسی، دینی کند در دو گروه (انجیلی‌ها) و (بنیادگرا) دسته بنسندی می‌شوند مورد حمایت و تائید همه جانبه بود که هر دوی این گروه‌ها در صفحه شطرنج سیاسی در راستا ترین نقطه قرار دارند.

چند گروه دیگر هم ایجاد گردید که تماما هدفشان اعمال فشار به دولت جهت تصویب قوانینی برای تسهیل در امر بازسازی دین در آمریکا بود. ائتلافی از این گروه‌ها بر مبنای استراتژی آنان بوجود آمد که گروه "عملیات رهایی" گروه عمده این ائتلاف بود و تمامی شعارها و برنامه این ائتلاف از بنیادهای مذهبی نشأت می‌گرفت.

ریگان، بنیادگرا

س: اینطور پیدا است که سید قطب، بنیادگرایان انجیلی آمریکا (جری فولویل) می‌باشد. آیا تأثیرات سیاسی وی به اندازه تأثیر اجتماعی وی می‌باشد؟ بخصوص در مورد (سقط جنین) که وی آنرا بزرگترین گناه می‌داند؟

ج: جری فولویل بالاترین تأثیر را روی تسمیام گروه‌های بنیادگرا و انجیلی‌ها در آمریکا دارد حتی در پیروزی رونالد ریگان در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۴ اگر چه

های راست مسیحی (بنیادگرایان نوین) مدعی آن بودند که این پیروزی به خواست آنان بدست آمده و آنان چهار میلیون رای را متعلق به خود می‌دانستند که این مقدار آراء، باعث جذب نیروی اجتماعی زیادی به گروه‌های معتقد به اصلاح امورا از بالا گردید که رهبری این گروه‌ها در دست راستگرایان مسیحی جدید است. با این شعار که کتاب مقدس انجیل باید مبنای قوانین اجتماعی قرار گیرد، چون انجام این کار زمان بسیار طولانی می‌طلبد و از جانب دیگر "جری فولویل" معتقد است که تحولات عمیقی را باید انجام داد حاضرین ائتلاف و همکاری کوتاه مدت با هیچ گروه دیگری نیستند و تنها با کسانی همکاری و نزدیکی خواهند داشت که به این نوع تحول معتقد باشند و کسب قدرت را مد نظر قرار دهند.

جری فولویل در فرهنگ مردم نفوذ کرده و در رسانه‌های گروهی مطرح است. در سخنرانی‌های خود برای مردم، راه حل مشکلات اجتماعی را با مقولات و اصطلاحات انجیل توضیح می‌دهد و اساس گروه‌هایی که در این چارچوب حرکت می‌کنند در نظر دارند که فرهنگی نوین را جایگزین فرهنگ موجود جامعه قرار دهند. انجیلی‌های آمریکا نسبت به بنیادگرایان دیگر از امکانات بیشتری برخوردارند و تنها شاسل برنامه‌های تلویزیونی نیست بلکه اینها دانشگاه‌های ویژه‌ای برای خود دارند و در این مورد محدودیت‌هایی مثل محدودیت بنیادگرایان اسلامی برای آنان وجود ندارد. با آنکه نفوذ در آمریکا دست‌راز کشور‌های اسلامی نیست اما گروه‌های بنیادگرای مسیحی بازگشت به سسخت راه حل عمومی برای مشکلات اجتماعی می‌بینند.

س: اما چندین تفاوت بین بنیادگرایان مسیحی با اسلامیها و یهودیها در مورد اعمال خشونت وجود دارد. انجیلی‌های آمریکا راه‌های مسالمت آمیز و فرهنگی را می‌روند اما گوش آمونیم علیه اغسراب می‌چند و با دولت‌های خود کاری ندارد.

ج: بدون تردید این تفاوت‌ها ذاتی آنهاست و بین گروه‌های بنیادگرای مسیحی و بنیادگرای اسلامی تفاوت است و همچنین با کوش آمونیم، چون آنها به خشونت پناه نمی‌برند و این یک واقعیت است چه در اروپای غربی چه در آمریکا و یا حتی در کشورهای که کمونیستها علیه آنان می‌چندند.

این جداسازی بر مبنای اعتقادات این گروه‌ها نسبت به اعمال قدرت صورت می‌گیرد. بنیادگرایان اسلامی معتقدند که حکومت باید بر مبنای مذهب باشد. جماعت کوش آمونیم معتقدند که این اوضاع موقتی است و خداوند به روی زمین خواهد آمد و سپس شریعت خود را بعنوان قانون قرار خواهد داد و ایسین بسیار از واقعیت دور است که مسیحیان حکومتی مانند جمهوری اسلامی ایران ایجاد نمایند چون برنامه جری فولویل تنها یک برنامه اصلاحی تربیتی است که با سیاسی ندارد، برنامه آنان به این شکل است که در نظر دارند تعدادی کادر و زورپس تربیت نموده و میان افشار متوسط جامعه بفرستند تا در مراحل بعدی بوسیله آنان به مناصب سیاسی و فرهنگی دست پیدا کرده و از این طریق تمام جامعه را به مسیحیت سوق دهند.

س: با وجود تفاوتها در بین بنیادگرایان می‌بینیم که جریان‌های اسلامی غربی راه خود را جدا کرده‌اند مثلا گروه (حماس) اکنون قدرت جاذبه بیشتری نسبت به سازمان آزادیبخش دارد بخصوص در مناطق فلسطیه و قطاع. در این جنگ و آشوبها آیا راهی برای مسانداری باقی می‌ماند؟

ج: گروه حماس بعد از جنگ خلیج توانست بار دیگر قضیه فراموش شده فلسطینی‌ها را به مسئله روز تبدیل نماید چرا که علیه اشغال اراضی و مذاکرات صلح که سازمان آزادیبخش بدنبال آن بود موضع مخالف گرفت. در حال حاضر اگر در اراضی اشغالی رفتارندوم بر گزار شود حماس چهل درصد آراء را کسب خواهد نمود و این برابر با آرای است که سازمان آزادیبخش کسب می‌کند.

س: در کتب و تحقیقات شما سعی در کمزور کردن نقش سواد در جریان‌های بنیادگرای اسلامی، غربی گردیده مانند حلقه وصل تهران - الجزایر و مصر و دیگر نقاط و یا حمایتی که سواد از بنیادگرایان می‌نماید چرا این وجه قضیه را روشنتر نمی‌کنید؟

ج: اکثر رهبران بنیادگرا که شناسایی و محسنت تعقیب واقع می‌شوند به اروپا و ایالات متحده روی می‌آورند. سواد در حال حاضر بعنوان یک بنیادگرای غرب که حکومت آن اسلامی است، شناخته می‌شود. قاهره سواد را به حمایت از تندروهای مصری سهم می‌کند همین اتهام از جانب الجزایر نیز به سواد وارد می‌شود که پایگاه‌های آموزشی و انواع حسنها را به تندروها می‌دهد، اما سواد، ایران نیست. چرا که سواد از هر لحاظ فقیر و ناتوان است.

س: آیا سواد فقط دیوار برلین، گروه‌های تند روی اسلامی از نظر غرب بعنوان امپراطوری حسای فاسد ارزیابی می‌شوند؟

ج: بله. گروه‌های تندروی اسلامی قصد ایجاد امپراطوری نوینی را در سر می‌پروراند که با کسی دستکاری در ظاهر همان لباس اتحاد جماهیر شوروی سابق را برتن خواهند نمود. این باری خطرناکی است که باعث به هم خوردن تعادل‌های اجتماعی (دوگرافی) موجود خواهد گردید. ما اکنون شاهد رودر رویی شمال با جنوب هستیم که متسا آنرا در تندروی اسلامی میتوان یافت. یک ائتلاف تاکتیسی (ناپیدا) بین بنتاکون و تندروهای اسلامی وجود دارد که کشورهای اسلامی در حمار این ائتلاف زندانی گردیده‌اند.

توضیحی پیرامون گروه‌های بنیادگرای اسلامی در الجزایر

گروه‌های اسلامی الجزایر که مجموعا جنبش بنیادگرایان اسلامی مسلح را تشکیل می‌دهند، به چند شاخه و گروه مسلح تقسیم می‌شوند. نشرید غربیسی "المجله" چاپ لندن در شماره ۱۲ و ۱۳ خنسنسود توضیحاتی در مورد جنبش بنیادگرایان اسلامی در الجزایر چاپ نموده که بر اساس آن اطلاعات زیر را برای خوانندگان نبرد خلق چاپ می‌کنیم.

گزارشی از ایران

پس از انحلال کمیته‌های سرکوب و ادغام آنان در نیروی انتظامی، رژیم از ترس جنبش روزافزون مردم و اعتراضاتی که از تمام نقاط کشور بلند شده است، تعدادی از چاق‌داران کمیته‌ها را به منظور "زاپاس" تحت عنوان "یگان ویژه پاسداران" بمنظور سرکوب قیامهای مردمی سازماندهی و ازادغام آنان در نیروی انتظامی خودداری کرد. این امر مستقیماً تحت نظارت خامنه‌ای و دستوراً و انجام شد و در واقع "یگان ویژه پاسداران" نیروی "فدشورش" رژیم محسوب می‌شود. زمانی که عناصر شهرستانی سابق و نیروی باصلاح انتظامی فعلی در سرکوب مردم کوتاهی کنند، ماموریت یگان فدشورش آغاز می‌شود.

خامنه‌ای از این یگان در سرکوب مردم شیراز، اراک و مشهد استفاده نمود و بدلیل اینکه اعزام نفرات از تهران به سایر شهرها مدت زمانی می‌خواهد خامنه‌ای دستور داد تا هر استان بطور مستقل "یگان فدشورش" تشکیل دهد. ستادهای امریه معروف ونه‌ی از منکر عامل اجرایی "یگان فدشورش" می‌باشد، که مردم آنهارا نیروهای "گشتاپو" می‌نامند، پاسداران این یگان در سطح شهر و میدانی بزرگ مستقر شده و به بهانه‌های مختلف مردم را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند، آنان زنان را در اتومبیل به رانندگی مشغول هستند، جوانانی که پیراهن آستین کوتاه به تن دارند، زنان یادخترانی که در داخل اتومبیل سیکار می‌کنند، دختران و پسرانی که در خیابان کناری یکدیگر راه می‌روند و یادداشتین کناری یکدیگر نشسته باشند، افرادی که در داخل اتومبیل نوار موسیقی دارند و دهها بهانه‌های پوچ و مسخره دیگر از این قبیل. رادستگیر پس از گرفتن مشخصات کامل آنان و یادداشت در اوراقی که از قبل به همین منظور چاپ گردیده، آنها را راه می‌سازند، در مواردیکه مردم در مقابل افراد یگان کوچکترین سوال و یا اظهار ناراضیتی نشان دهند با مشت و لگد پاسداران مواجه و پاسداران آنها را سوار مینی بوس و یا نیاپان پاترول پاسداران کرده و به اداره مبارزه با مفاسد اجتماعی انتقال می‌دهند.

اکیپ‌های یگان ویژه از چهار پاسدار سوار بسز اتومبیل‌های یو ۴۰۵ که قسمتی از آن به رنگ سبز و قسمتی دیگری به رنگ سفید می‌باشد، در خیابانها به گشت زنی مشغول بوده و در مواردیکه به قول خودشان با افراد منکراتی مواجه شدند، وظیفه برخورد با آنها را برعهده دارند.

اکیپ‌های استقراری یگان ویژه در سیادین بزرگ مستقر شده و قریب به بیست پاسدار در هر میدان می‌باشد، بعنوان مثال در میدان ونک پاسداران رژیم ضلع شمالی میدان را به سمت تجریش، ضلع جنوب آن به سمت سه راه عباس آباد و ضلع غربی (خیابان ملاصدرا) و شرق آن به سمت چهارراه جهان کودک و میرداماد را بسته و در هر کدام از معابر فوق چهارالی پنج پاسدار ایستاده و هر اتومبیل که قدمه‌یور دارد می‌بایست با مجوز یکی از پاسداران باشد، مردم پس از عبور از منطقه محاصره شده توسط پاسداران، به شدت نسبت

به این امر اظهار تنفر می‌کنند. یکی از زنانی که از محل عبور می‌کرد حدود ۵۰ سال داشت به اطرافیان خود گفت: اینها آخر عمرشان است، شاه هم اواخر حکومتش يك زمانی می‌خواست بی حجابی را اجباری کند و روسری رابه زور از سر مردم بردارد، حالا اینها می‌خواهند چادر و روسری به سر زنان بکنند و از این طریق به قدرت نمایی پرداخته و ایجاد رعب و وحشت کنند، غافل از اینکه مردم طاقتشان تمام شده و دیگر حنای این حکومت برای ملت ندارد. آخوندها کوئی تمام مشکلات ملت و مملکت را حل کرده و فقط همین يك کار را باید انجام دهند.

در رابطه با همین موضوع در نماز جمعه تهران در چهارم تیرماه آخوند جنتی گفت: رسانه‌های خبری خارجی مانند رادیو فرانسه و بی بی سی اراچیست و اخبار نقیضی علیه این حرکت الهی را آنگساز نموده‌اند و یکی از این رادیوها در برنامه خود گفته است، در یکی از میدانی تهران بیش از صد نفر توسط نیروهای پاسدار بازداشت شده‌اند. عده‌ای هم در داخل به عنوان دلسوزی اقداماتی می‌کنند که ایست دلسوزی ها غلط است و امر خدا را ناپایند دیده گرفت. آخوند جنتی ادامه می‌دهد: من خود طی تماسی با فرمانده نیروی انتظامی از ایشان تعداد دستگیر شدگان را سوال کردم، آن آقا پاسخ داد: ما طی چند روز گذشته که کارگشت آغاز شده تاکنون مجموعاً ۱۰۰ نفر را بازداشت نگردیم. حرفهای مزخرف جنتی در حالی است که روز چهارشنبه دوم تیرماه اسامی در روزنامه جمهوری اسلامی آمده است: "بنابه دستور فرماندهی نیروی انتظامی تهران بزرگ، دور جدیدی از مظاهر فساد و بی بندوباری از دیروز آغاز شد. طی دوروز گذشته نزدیک به ۵۰۰ نفر از زنان بدحجاب به اداره مبارزه با مفاسد و منکرات هدایت شدند، این عده پس از دادن تعهد و سپردن ضمانت نامه آزادی می‌شوند. اطلاعات فرد مزبور در کامپیوتر حفظ می‌شود و در صورت تکرار مساله، برخورد های دیگر شدیدتری صورت خواهد گرفت. نیروی انتظامی و دادسرای عمومی تهران عزم خود را جزم کرده‌اند که اقدام مزبور را بطور مطلوب به انجام برسانند، امروز روز امتحان پس دادن دادگاهها می‌باشد. بنظر می‌رسد نحوه برخورد دادگاهها بسیار مروجین فساد می‌تواند در نتیجه طرح موثر افتد."

یکی دیگر از صحنه‌هایی را که خود شاهد آن بودم، مربوط به روزشنبه ۲۲ خرداد ساعت ۶ بعد از ظهر است. يك اکیپ از نیروهای آشوبگر رژیم بالباس فرم و سلاح و بیسیم برای به اصطلاح ایجاد نظم و بیویژه "رعایت حجاب بانوان" وارد محوطه و مراکز تجاری و خرید شهرک اکباتان شدند، این اکیپ مانند فیلم‌های وسترن که عده‌ای تفنگچی برای تسخیر شهر وارد شده‌اند و از موضع بالا باتسلیم شدگان برخورد می‌کنند با مردم رفتار می‌کردند. آنها دست زنان را می‌گرفتند و شروع به فحاشی می‌کردند: "روسی‌ها کثافتها، هرنه‌ها" و دیگر عباراتی که خاص و درخورشان همان پاسداران است و انسان از نگارش آن شرم دارد آنها به مردم می‌گفتند: در همین مکان حکم رادرمورد شما اجرا می‌کنیم (شلاق). نکته بسیار مهم اینکه در دست یکرور بعد از خیمه شب بازی انتخابات ریاست جمهوری این مسائل آغاز شد. برخورد مردم حساوی

نکاتی بود که قابل توجه و بیابانگر سمت گیریهایی اذهان عمومی است، برخی می‌گفتند:

- انتخابات تمام شد اینها بر خر مراد سوار شدند، حالا تا چند ماه قبل از انتخابات بعدی حسابی می‌تازند.

- یکنفر فریاد زد، به فرسجانی بگوئید، دیروز در انتخابات شرکت کردم، ولی امروز می‌گویم: ای کاش دیروز دست و پایم شکسته بود و در نمایش شما شرکت نمی‌کردم.

روز بعد یکشنبه ۲۴ خرداد ماه نیروهای سرکوبگر با چندتن از خواهران زینب و یک مینی بوس مجدداً به شهرک آمدند و زنان را بدون علت سوار مینی بوس کرده و با خود می‌بردند، چند دختر حدود ۱۴ ساله هم در میان آنها بود. يك استاد دانشگاه در اعتراض به برخوردی که با همسرش داشتند (همسروی "ماما" است) کارت خود رابه جمعیت نشان داده و ضمن معرفی خودش گفت: با تمام توحشی که نسبت به قشروشنفکر و تحمیل کرده در این رژیم می‌شود سعی داشتم به مملکت خدمت کنم، اما حالا دیگر برای لحظه‌ای هم تاب ماندن در این کشور را ندارم، در حالیکه همسرایین فرد لباس ساده‌ای به تن داشت و هیچگونه آرایشی هم برچهره نداشت توسط خواهران زینب بسمت مینی بوس کشانده شد. یکی از عناصر رژیم که خشم و انزجار مردم را می‌دید و لریزه براندایش افتاده بود می‌خواست خودش را همراهی جماعت نشان دهد گفت: فردا اگر سر این قضا را درگیری گسترده‌ای شد مسئول کیست؟ هواروبه گرما گذاشته و روزهای تابستان در پی است و مردم برای تفریح و قدم زدن و فرار از زندگی آزارتسانی می‌خواهند با فرزندانشان چند ساعتی را در بیرون از منزل آرامش داشته باشند و برخورد این نیروها قطعاً مسائل و عکس العمل‌هایی بسیار فراتر از آنچه گذشت را در پی خواهد داشت پس باید ب فکر چاره‌ای بود و برای برخورد با این مسئله راه‌هایی مسالمت آمیز و دوستانه را اختیار کرد. مدها مورد از اینگونه برخوردها می‌توانم بنویسم، ولی واقعیت اینست که با افزایش فشار مجامع بین المللی و افکار عمومی جهان که در اثر فعالیتهای شبانسه روزی شورای ملی مقاومت صورت گرفته و در شرایطی که رژیم خمینی می‌کوشد چهره‌ای مناسب برای زدوبند های بین المللی اش بسازد، سعی می‌کند باتوسل به حیل‌های مختلف مانند برگزاری مسابقات ورزشی بانوان و ۱۰۰۰۰ مظاهر چهره‌ای "دموکراتیک" به کشور استبداد زده مابدهد، در صورتی که استبداد و چپاول جز، تفکیک ناپذیر ارتجاع حاکم است. واقعیت سیاسی جامعه را نباید در آزاد شدن بازی شطرنج و پخش موسیقی از رادیو و تلویزیون ۱۰۰۰ جست. بلکه ایست واقعیت را باید در طناب‌های دار و جوخه‌های اعدام اوین و سایر زندانها و گورهای دسته جمعی زندانیان و سرکوب عمومی مردم جستجو کرد.

تنها چاره‌هایی از جهنم رژیم آخوندی و جنگالهای خونریز بقایای خمینی، پیوستن و همکامی با صفوف نیروهای مقاومت است، زیرا رشد روز افزون ناراضیاتی توده‌ها، تورم فزاینده و مشکلات مالی کمر شکن همراه با فعالیتهای انقلابی رزمندگان آزادی

بیانیه اجلاس سران هفت کشور صنعتی جهان

خبرگزاری های جهان در تاریخ ۱۶ و ۱۷ تیسر ۷۲، بیانیه سران ۷ کشور بزرگ صنعتی را پخش نمودند. در این بیانیه آمده است که:

۱- ما رهبران هفت کشور خود و نمایندگان جامعه اروپا، تعهد خود به اصول جهانی آزادی، دموکراسی، حقوق بشر و حکومت قانون را مجدداً تکرار می‌کنیم. از زمانی که ما برای آخرین بار در مونیخ دور هم جمع شدیم، پروژه دموکراتیزه شدن و رفاه اقتصادی با زهم پیش رفته است. علی‌الحال بی ثباتی ها و درگیریهای بسیاری که ریشه در گذشته دارند، هنوز سر بر می‌آورند. ما مصمم هستیم که بایکدیگر همکاری کرده تاندیسایی امن تر و انسانی تر با تقویت همکاری بین المللی با مساعدت و ابعا د گسترده تر ایجاد کنیم.

۲- جامعه بین المللی بطور فعال درگیر ارتقاء دادن ابزار برای پیشگیری و حل و فصل درگیری ها است. سازمان ملل که برای حفظ صلح و ثبات بین المللی حیاتی است، می‌بایست بیش از این تقویت شده و خود را با شرایط متنوع بین المللی منطبق کند. لذا ما از تلاش هایی که در سازمان ملل در جریان است تشکر و راندمان آنرا ارتقاء دهد، علی‌الخصوص توانایی سازی خود را برای دیپلماسی پیشگیری، برقراری و حفظ صلح، و سازندگی بعد از درگیری، در کادر "برنامه برای صلح" دبیرکل سازمان ملل موثرتر کند، حمایت می‌کنیم.

۳- مایه شدت از همکاری منطقه ای در پیشبرد صلح، دموکراسی و ثبات حمایت می‌کنیم. ما از نقش فعالتری که کشورهای منطقه آسیا (خاور دور) در ترغیب گفتگوها برای ثبات منطقه ای ایفا می‌کنند، استقبال می‌کنیم. سازمان های منطقه ای در اروپا، آفریقا و آمریکا کمک های قابل توجهی می‌کنند.

۴- حفاظت از حقوق بشر و وظیفه تمام کشورها است، همانطور که در کنفرانس جهانی حقوق بشر در ویسنا تاکید شده بود. تعداد فزاینده آوارگان و افراد جابجا شده و همچنین مشکلات ناشی از مهاجرت کنترل نشده و مشکلاتی که اقلیت های ملی با آنها روبرو هستند، نیازمند توجه عاجل با در نظر گرفتن ریشه منبایی آنان است. تروریسم علی‌الخصوص وقتی تحت حمایت دولت‌هاست، تهدید جدی است که مایشتد با مخالفت می‌کنیم.

۵- در ترغیب کار جمعی ما به همکاری هر چه بیشتر، رفهرم در اقداماتهایی که سابقاً متمرکز بوده اند، می‌بایست بیش از پیش تشویق شوند. ما خواهان جوامی دموکراتیک، با ثبات با اقتصاد قوی در این کشورها هستیم. ما قاطعانه از تلاش های مصمم رفهرم طلبانه روسیه تحت رهبری یلتسین و دولت او حمایت می‌کنیم. ما همچنین خواهان این هستیم که روسیه دیپلماسی خود را بر اساس اصول قانون و عدالت ارتقاء داده و به نقش سازنده و مسئولانه خود در جامعه بین المللی ادامه دهد. ما همچنین از پروژه رفهرم در اوکراین حمایت کرده و امیدواریم که ملاقات اخیر بین یلتسین و کراوچک منبایی برای ارتقاء هر چه بیشتر روابط بین دو کشور برقرار کند.

۶- افزایش همکاری برای مقابله با خطر تکثیر تسلیحاتی کشتار جمعی و موشک ها ضروری است. بنده خصوص ما:

کره شمالی را تشویق می‌کنیم که سرعت تصمیم خود برای خروج از پیمان عدم تکثیر هسته ای را پیس گرفته و کاملاً به تعهدات عدم تکثیر هسته ای خود عمل کند. از جمله اجرای توافق نامه سازمان انرژی اتمی و بیانییه مشترک درباره غیر اتمی نمودن نیسه جزیره کره.

- کشورهایی که از شوروی سابق بوجود آمده اند را به تخمین سریع و امن حذف تسلیحات هسته ای طبق توافق نامه های جاری تشویق می‌کنیم و در این رابطه همکاری موثری در اختیارشان قرار می‌گیرد.

- اوکراین را تشویق می‌کنیم که پیمان استرات راتصوب کند. اوکراین و قزاقستان بعنوان کشورهای غیر هسته ای پیمان عدم تکثیر را بپذیرند.

ما همچنین به تلاش های خود برای تقویت ارگان های اعمال عدم تکثیر، از جمله کنترل تکنولوژی موشکی و ایجاد کنترل های صادراتی موثر ادامه می‌دهیم. ما بر اهداف پذیرش جهانی پیمان عدم تکثیر هسته ای و همچنین تمدید پیمان تا سال ۱۹۹۵ و کاهش تسلیحات هسته ای تاکید می‌کنیم. ما همچنین از آن کشورهایی که کنوانسیون تسلیحات هسته ای را امضا نکرده اند، می‌خواهیم که آن پیمان را امضا کنند و کنوانسیون تسلیحات بیولوژیک را بپذیرند.

در زمینه تسلیحات کلاسیک ما تلاش می‌کنیم که موثر بودن بخش ثبت تسلیحات کلاسیک سازمان ملل بعنوان گامی مهم در جهت بهبود قابل رویت و کنترل نمودن جابجایی های تسلیحاتی را تخمین نمانشیم.

۷- مواجهه با وخامت سریع اوضاع در یوگسلاوی سابق. ما تعهدمان را به تمامیت ارضی بوسنی - هرزه کووین و به یك حل و فصل مذاکره جویانه بر پایه اصول کنفرانس لندن مورد تاکید قرار می‌دهیم. ما نمی‌توانیم بريك راه حل ديكنته شده از سوی صربها و کروواتها به مسلمانان بوسنی توافق کنیم. ما هیچگونه راه حل ارضی را نخواهیم پذیرفت مگر اینکه توافق سه طرفه را داشته باشد. اگر صربها و کروواتها بترجیبه بوسنی از طریق تغییرات مرزی توسط روریاکسازای قومی امرارورزند، آنها خود را ماورای قلمرو جامعه بین الملل قرار خواهند داد و نمی‌توانند انتظار هر گونه کمک اقتصادی یا باز رگانی بویژه امداد باز سازی را داشته باشند. قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل در مورد پناهگاههای امن کاملاً و بطور مستد برای حفاظت از غیر نظامیان باید به اجرا درآیند.

ما خود را به کمک به دبیرکل سازمان ملل در اجرای قطعنامه ۸۲۴ شورای امنیت از طریق اعزام نیرو، حفاظت هوایی نیروهای سازمان ملل، کمک های مالی و لجستیکی با از طریق اقدام مناسب دیپلماتیک متعهد می‌سازیم. زمانی که شرایط قطعنامه های ذیربط شورای امنیت برآورده نشده اند، تحریمات پا برجا خواهند ماند. اقدامات قوی تر کنار گذاشته نمی‌شوند. جریان امداد انسانی به بوسنی بایستد

افزایش یابد.

بانگرانی عمیق نسبت به وضعیت کوزوو ما از دولت صربستان خواستار لغو تصمیم خود بر اخسراج ناظران سی. اس. سی. ی از کوزوو و جاهای دیگر در صربستان و توافق با افزایش قابل توجه تعدادشان می‌باشیم.

۸- ما از انتخاباتی که بطور موفقیت آمیز در کامبوج برگزار شد و اعلام دولت موقت ملی که بدنبال آن دولتی بر اساس اساسنامه جدید طبق توافقنامه پارسیس روی کار آید، استقبال می‌کنیم. ما به حمایت خود از باز سازی و صلح پایدار بر اساس آشتی ملی ادامه می‌دهیم.

۹- ما کاملاً از تلاش ها برای دستیابی به یك صلح پایدار در خاور میانه حمایت نموده و اسرائیل و اعراب می‌خواهیم که گام های بیشتری در ایجاد صمیمیت بردارند. ما از اسرائیل می‌خواهیم که به تعهدات خود در رابطه با سرزمین های اشغال شده احترام بگذارد. ما از تلاش های باز سازی در لبنان حمایت می‌کنیم.

ما از بازگشت انورینه مشروع به هائیتی حمایت می‌کنیم و تلاش های سازمان ملل و سازمان کشورهای قاره امریکا در این زمینه را تحسین می‌کنیم.

ما مصمم هستیم که فشار را روی عراق و لیبی ادامه دهیم تا تمامی قطعنامه های مربوط به شورای امنیت سازمان ملل کاملاً به اجرا درآیند. تکران از برخی جنبه های رفتار ایران، ما از دولت ایران می‌خواهیم که بطور سزنده ای در تلاش های بین المللی برای صلح و ثبات سهم خود را انجام اعمالی مخالف چینیس اهدافی را متوقف کند.

ما از پیشرفت اخیر در جهت دموکراسی در آفریقای جنوبی که راه را برای بازگشت کامل به جامعه سیاسی و اقتصادی بین المللی هموار می‌کند، استقبال می‌کنیم.

۱۰- در یك جهان مستقل، شراکت کلید صلح و کامیابی است. ما خود را به یك تلاش جدید در کمک به شکل دادن هر چه امن تر و مهربان تر جهان متعهد می‌سازیم و اردیگران می‌خواهیم که به ما بپیوندند.

تشدید سرکوب زنان بعد از انتخابات نمایشی

از صفحه ۲
عربان تر و شدیدتری بخود می‌گیرد. واضح است که این سرکوب گری برای رژیم راهگشا نخواهد بود و نمی‌تواند رژیم را از مرگ حتمی نجات دهد. مردم ایران و بخصوص زنان کشورمان تنها به این تهاجم ارتجاعی تسلیم نمی‌شوند، بلکه از هرگونه امکانی برای رسوا کردن رژیم استفاده خواهند کرد. در مقابل اعمال، رفتسار و کنفاران ارتجاعی رژیم در مورد زنان، شورای ملی مقاومت ایران قرار دارد. این شورابانفی هرگونه تبعیض جنسی و به رسمیت شناختن حقوق سیاسی، اجتماعی زنان و تائید برابری کامل زنان و مردان کشور مادر تمانی حوزه های سیاسی، اجتماعی، مدنی و زنان میهن ما را به شرکت در مبارزه برای سرنگونی رژیم خمینیسی و استقرار آزادی و عدالت و ایجاد ایرانی آباد و آزاد که زنان در ساختن آن نقش عظیمی خواهند داشت دعوت می‌کند و مسلمانان را به زنان کشور ما از این شرایط قرون وسطایی دور نیست.

اجلاس سران گروه هفت

کنفرانس سران هفت کشور صنعتی جهان شامل آمریکا، ژاپن، انگلیس، فرانسه، ایتالیا، کانادا و آلمان روز ۱۶ تیر امسال در توکیو آغاز بکار کرد. این کنفرانس هر سال توسط این هفت کشور برگزار و مسائل مهم جهانی در آن مورد بحث و گفتگو و در موارد بسیار در مورد مسائل جهانی سیاست واحدی توسط این کشورها اتخاذ می‌شود. کنفرانس امسال، مسائلی چون موافقت نامه تعرفه و تجارت جهانی (گات)، اختلاف تجاری بین این کشورها، کسری موازنه بازرگانی آمریکا با ژاپن و نیز مسائلی چون کمک به رئیس حکومت روسیه (پلتسین)، رژیم آخوندها و سیاستهای تروریستی آن در سطح جهانی، سلاح های اتمی کره شمالی، و نیز جنگ در بوسنی و ۰۰۰ در دستور کار این کنفرانس بود. کنفرانس طی دوروز مسائل در دستور را مورد بحث و تصمیمات مهمی اتخاذ نمود. در پایان کنفرانس يك بیانیه مادر وطنی آن مواضع ۷ کشور مهم جهان در مورد مسائل بین المللی اعلام شد. (متن کامل این بیانیه در همین شماره نبرد خلق چاپ شده است). در این بیانیه در مورد رفتار رژیم خمینی در زمینه بین المللی اظهار نگرانی شده و خواستار توقف اقدامات رژیم در صحنه بین المللی شده است. رژیم خمینی در واکنش به این بیانیه بخاطر اینکه سران ۷ کشور جهان نتوانستند در رابطه با بعضی تحریم ها علیه رژیم به توافق برسند اظهار خرسندی نمود. در حالیکه در این بیانیه اساس مطرح شدن رژیم آخوندها، يك شکست برای رژیم و ادامه پروژه ایست که منجر به ایزوله شدن هر چه بیشتر رژیم در سطح جهانی خواهد شد. وارن کریستوفر وزیر امور خارجه آمریکا در مباحثه با تلویزیون سی ان ان در رابطه با مساله ایران می‌گوید: "در اعلامیه اجلاس، اشاره‌ای به رفتار ایران وجود دارد و اینکه اگر آنها قرار است به تعهدات بین المللی خود عمل کنند باید رفتار فعلی خود را متوقف نمایند. این برای يك اعلامیه اجلاس، نسبتاً رك و صریح است." کریستوفر در بخشی دیگر در مورد روابط تجاری کشورهایی مثل ژاپن و فرانسه با رژیم می‌گوید: "هنگامیکه من در اروپا بودم، مساله ایران را مطرح کردم و فکر نمی‌کردم اصلاً هیچگونه عملی در آن رابطه دریافت کنم زیرا می‌دانم در آنجا نظرات متفاوتی وجود دارد. من از درجه حمایتی که دریافت کردم متعجب شدم و از این واقیعت که آن گروه گفت بگذارید از نوبه ایمن مساله نظر کنیم، بگذارید از نو این مساله را مطالعه کنیم و لذا آن مطالعه همین الان هم در حال پیشرفت کردن است و ما خواستار آن نیستیم که تمام معاملات با ایران خاتمه یابد، بلکه از آنها می‌خواهیم هرگونه تجارتی را که به ایران توان ساختن سلاحهای کشتار جمعی می‌دهد، یا به ترتیب دیگری توان نظامی اش را بهبود می‌بخشد، خاتمه دهند." بلافاصله پس از کنفرانس مقامهای مهم وزارت امور خارجه ۷ کشور صنعتی به تشکیل يك اجلاس در بروکسل برای بررسی راههای فشار بر رژیم آخوندی،

توضیحی پیرامون گروههای بنیادگرای

اسلامی در الجزایر

از صفحه ۷

۱- "کاردا سلامی" به رهبری عبدالقادر این جریان حدوده گروه است. هر گروه بین شش تا ده عضو داشته و منطقه نفوذ آنها مناطق میانسی الجزایر مثل بومرداس، بلیدیه و الجزیره است. از افراد مهم این جریان عزالدین باعدو مولود خطاب میتوان نام برد.

۲- افغان - الجزیره به رهبری قمرالدین کربانی و سعید مخلوفی

۳- هجرت و توبه به رهبری احمد بوعمد و نورالدین صدیقی

از ائتلاف این دو گروه که در ژوئن ۱۹۹۱ صورت گرفت ستون فقرات جریان نظامی جبهه نجات بوجود آمد. مشخصه بارز این دو جریان سازماندهی و کشتار نظامی است.

۴- امواج الجزایر به رهبری محمد غلال معروف به موج لیلیایی. این جریان بشکل هرمی و در سلولهای سه عضوی قدرت زیاد در نفوذ در دستگاه دولتی دارد. از افراد مهم این جریان عبدالحق لعیاده است. مرجع تمام این گروهها شیخ عمر العلیمی بود که اخیراً در درگیری بانبروهای دولتی کشته شد.

نمودند خبرگزاری رویتر در گزارش خود در تاریخ ۱۸ تیرماه در مورد این اجلاس می‌گوید: "دستیار وزیر خارجه در امور شرق نزدیک، ادوارد جرجیان گفت: این ملاقات نخستین کام مطالعات متسلسل برای چگونگی برخورد با این مشکل را برداشت. این يك گروه کار است و ما دریافت همکاری برای رسیدگی عمیق به این موضوع از طرف اروپاییان خیلی تشویق شده ایم."

رادیو اسرائیل در برنامه روز ۲۰ تیر خود در این مورد می‌گوید: "مقامات مسئول هفت کشور فرامنعتی جهان به زودی گروه می‌آیند تا درباره مجازاتها و محدودیت هایی که قرار است علیه حکومت اسلامی و چند کشور دیگر اعمال شود به تصمیم گیری بپردازند. وزیر دفاع فرانسه نیز که در روزهای اخیر از امیرنشین های عرب دیدن کرده موضع آمریکا را در مورد لزوم منزوی ساختن حکومت اسلامی مورد تأیید قرار داد و گفت بعلمت تلاش دولت تهران برای دستیابی به سلاحهای کشتار همگانی لازم است رژیم این کشور مورد انزوا قرار گیرد. وزیر دفاع فرانسه در ضمن خواستار کردید که برای سرکوبی عوامل تروریستی اسلامی سیاست قاطعانه‌ای اعمال شود و افزود برای آنکه بتوان بطور موثری با این پدیده مبارزه کرد، لازم است همه کشورهای منطقه باید یکدیگر همکاری کنند. ... آنچه مسلم است مواضع بین المللی در رابطه با رژیم خمینی يك تغییر اساسی نموده است. خود رژیم هم این را بخوبی می‌داند و واجباً به آن اعتراف می‌کند. اما برای روحیه دادن به نیروهای خود از بعضی کمبودها در این مواضع بعنوان شکست غرب یاد می‌کند.

گرامی باد خاطره فدایی

شهید جمشید میرحیدری

از صفحه ۱۲

رژیم و ولایت فقیه تاکنون بیش از صد هزار فرزندان دلیر مردم ایران را به اشکال گوناگون به شهادت رسانده است. از اعدام های دسته جمعی تا اعدام های مخفیانه. نام بسیاری از این شهدا اعلام نشده و افکار عمومی از آن بی اطلاع هستند. جمع آوری اطلاعات در مورد کسانی که بدست این رژیم ارتجاعی به شهادت رسیده اند، وظیفه هر ایرانی آزاده و مردم دوست است. نبرد خلق هر اطلاع جدید در مورد شهدای قهرمان خلق را که تاکنون در نشریات فارسی منتشر شده است را چاپ خواهد کرد. در این شماره اطلاعاتی در مورد فدایی شهید جمشید میرحیدری را چاپ می‌کنیم.

شهید قهرمان جمشید میرحیدری در پل دختر لرستان متولد می‌شود. در آستانه قیام هواداران سازمان فدایی بود. تحصیلات وی فوق دیپلم و شغل او حسابدار آموزش و پرورش پل دختر بود. او يك هوادار فعال سازمان در منطقه بود و بسیاری از مردم او را می‌شناختند. در سال ۱۳۶۰ همراه با تعدادی دیگر از هواداران سازمان در منطقه لرستان دستگیر می‌شود. در سال ۱۳۵۶ از زندان فراری می‌کند. خبر فرار او در تمام منطقه انعکاس پیدا می‌کند. در شهریور ۶۵ برای پیوستن به جنبش مسلحانه و پیوستن به سازمان تصمیم به خروج از مرز ایران و عراق می‌گیرد. متأسفانه در منطقه پنجوبین توسط پاسداران دستگیر و به شدت شکنجه می‌شود. پاسداران جنایت پخته او را به عقب يك جیب لندرو می‌بندند. ضمن حرکت جیب، رفیق جمشید به شهادت میرسد. آثار شکنجه و کشیده شدن بدن او بر روی زمین در جدا و هنگام بخاک سپاری دیده شده است. جسد این شهید قهرمان در گوشه‌ای دورتر از قبرستان عمومی شهر پل دختر بخاک سپرده می‌شود. سپاه پاسداران خمینی، خانواده و حتی مادر او را از هر گونه اقدامی برای شهادت او منع می‌کند. اما یاد و خاطره او را مردم لرستان هرگز فراموش نخواهند کرد. او برای ایرانی آزاد، مستقلم، دمکراتیک و در راه صلح و سوسیالیسم جان باخت. باد گرامی باد.

اخبار و رویدادها....

از صفحه ۲

آخوند موحدی کرمانی نایب رئیس مجلس ارتجاع و نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران رژیم در نماز جمعه روز ۱۸ تیر امسال به مقابله قهرآمیز مردم با عوامل سرکوبگر رژیم اعتراف نمود و گفت: "قاتل یکی از بسیجیان همدان که در جریان امریه معروف مورد حمله ضد انقلاب قرار گرفته و به شهادت رسیده بود با برخورد قاطعانه قوه قضائیه اعدام شد. قاتل یکی از پاسداران در بازار روزنای آباد به سزای اعمال خود رسید." (رسالت ۱۹/۴/۷۲)

تلگرام مسئول شورای ملی مقاومت ایران به سران ۷ کشور صنعتی جهان در آستانه تشکیل اجلاس توکیو

همزمان با اجلاس سران هفت کشور صنعتی، ما بلسم شمارا در جریان آخرین تحولات ایران ونقض وحشیانه حقوق بشر توسط دیکتاتوری تروریستی حاکم قراردهم. امیدوارم نقض وحشیانه حقوق بشر در ایران و صدور گسترده تروریسم و ارتجاع توسط رژیم آخوندی در دستور کار این اجلاس قرارگیرد و تصمیمات قاطعی در راستای يك مقابله مشترك بين المللی یا جنایات این رژیم ضد بشری اتخاذ شود.

بی تردید، در جهان معاصر، آخوندهای حاکم بسر ایران در صدر لیست نقض کنندگان حقوق بشر و دموکراسی قرار دارند. طی ۱۴ سال، بیش از ۲۰۰۰۰۰ تن از بهترین فرزندان مردم ایران، به دلایل سیاسی، اعدام و ۱۵۰۰۰۰ تن دیگر به خاطر عقایدشان زندانی شده و تحت شدیدترین شکنجههای قرون وسطایی قرار گرفته اند. این رژیم، حتی در کشتار کودکان و سالمندان کوچکترین تردیدی به خود راه نداده است. اقلیتهای مذهبی و قومی، از سرکوب بیرحمانه رژیم در استان نمانده اند. اعمال فشار و تضییقات غیر قابل تصور در مورد زنان، جزئی از سیاستهای روزمره رژیم خمینیست می باشد. دهها هزار تن از اعدام شدگان سیاسی رازنایی تشکیل می دهند که پس از تحمل شکنجههای فراوان، تیرباران شده اند، و در میان آنان تعداد زیادی از زنان باردار و دختران نوجوان کمتر از ۱۵ سال دیده می شود. سرکوب عمومی زنان در کوچ و خیابان و مجازاتهای وحشیانه بی نظیر سنگسار، به طور رسمی اعمال می شود.

در اثر سیاستهای ارتجاعی و ضد مردمی رژیم خمینی امروز ۷۵ درصد مردم ایران در زیر خط فقر زندگی میکنند. ۱۵ میلیون نفر بیکارند و تورم افسارگسیخته ۶۰٪ درصد فقراتر رفته است. ورشکستگی اقتصادی، تعطیلی بیش از ۷۰۰ کارخانه طی يك سال، بدهی خارجی ۴۰ میلیارد لاری و ویرانی قسمت عمده بخشهای صنعتی و کشاورزی، هیچ چشم اندازی برای بهبود شرایط باقی نگذاشته است. چهار سال بعد از مرگ خمینیست، بازماندگان او، ناتوان از حل کو چکترین معضلات جامعه ایران، صدور تروریسم به جهان خارج را شدت بخشیده و کشورهای خارجی را به محنه تاخت و تاز تروریستهای اعزامی خود تبدیل کرده اند. ترور دکنتر کاظم رجوی مدافع بزرگ حقوق بشر، در آوریل ۱۹۹۰ در ژنو، ربودن مجاهد خلق اکبر قربانی در ژوئن ۱۹۹۲ در استانبول و شکنجه و قتل وی در خاک ترکیه، ترور آقای محمد حسین نقدی نماینده شورای ملی مقاومت ایران در رم در مارس ۱۹۹۲، ترور مجاهد خلق محمد حسن ارباب در کراچی در ژوئن ۱۹۹۲، بخشی از يك لیست طولانی از عملیات تروریستی رژیم خمینیست علیه ایرانیان در خارج کشور است که بیش از ۱۰۰ اقدام تروریستی را شامل می شود. آخوندهای حاکم بر ایران به این اکتفا نکرده و تاکنون دهها شهروند خارجی را نیز هدف تروریسم افسارگسیخته خود قرار داده اند. سردمداران این رژیم، با تائید هر روزه بر فتوای قتل نویسنده انگلیسی بابا ترور مترجمان آثارش، به طور

علنی و رسمی با معیارها و موازین بین المللی به مقابله برخاسته اند. با ابا اعمالی هم چون ترور نویسندگان و روشنفکران خارجی در ترکیه، الجزایر، مصر و دیگر نقاط، بشریت را به مبارزه می طلبند. تضاد فی نیست که در هر کجا - از بمبئی تا نیویورک انفجاری صورت می گیرد، در پای رژیم خمینیست و مزدورانش در آن پدیدار می شود. این رژیم بارها با زیر پا گذاشته معاهدات بین المللی از جمله قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ملل متحد، از مرزهای بین المللی عبور کرده و پایگاههای ارتش آزادیبخش ملی را در خاک عراق بمباران کرده و یاه بمباران و توپ باران کردهای ایرانی پرداخته است. بی پاسخ ماندن تجاوزات هوایی ۵ آوریل ۱۹۹۲ و ۲۵ مه ۱۹۹۲ رژیم خمینی به پایگاههای مقاومت، این رژیم را به حدی گستاخ نموده که دبیر شورای عالی امنیت آن اعلام نموده است که رژیم از این پس علیه پایگاههای مقاومت ایران در خاک عراق " دست به حملات پیشگیرانه " خواهد زد. " منتظر نخواهیم ماند تا برای دفاع از خود در صدمه حمل برآید ".

به موازات این گونه تجاوزات، رژیم خمینی، با صدور بحران و تروریسم به خارج مرزهای خود، استقرار يك " حکومت اسلامی " از نوع موجود در ایسران رادر کشورهای عربی و اسلامی، به مثابه مهمترین هدف سیاست خارجی خود، دنبال می کند. به این ترتیب آخوندهای حاکم بر ایران، به مهمترین عامل تهدید صلح و آرامش و منشا اصلی بحران و جنگ طلبی در منطقه تبدیل شده اند. رژیم آخوندی به منظور حفظ موجودیت لرزان خود و به سودای ایجاد يك امپراتوری اسلامی و برقراری يك توازن وحشت در منطقه و بی اثر نمودن فشارهای بین المللی، میلیاردها دلار از اموال مردم ایران را صرف دستیابی به سلاحهای اتمی و انبساط تسلیحات کشتار جمعی و سلاحهای متعارف نموده است.

در برابر این رژیم ضد بشری و ۱۴ سال سرکوب مستمر، مردم ایران تسلیم نشده و به مقاومتی همه جانبه و سراسری برخاسته اند. این مقاومت با ارائه الترنا تيو دموکراتیک شورای ملی مقاومت، که ۱۲ سال از تاسیس آن می گذرد، اعتقاد عمیق خود را به دموکراسی اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور ملل متحد اثبات نموده، و برنامه آن، بر عدم تعهد و سیاست حسن هم جواری و همکاری بین المللی و منطقه ای تاکید می کند و اقتصاد آزاد و بازار ملی را به رسمیت می شناسد.

مردم و مقاومت ایران، طی يك سال گذشته، با بیش از ۷۰۱ رشته تظاهرات و اعتصاب و حرکت اعتراضی، مخالفت تمام عیار خود را با این رژیم به نمایش گذاشته اند. مردم ایران به رغم همه تهدیدات و اجبارات، با تحریم همه جانبه نمایش انتخاباتی رژیم در ماه گذشته با ردیگر بر عدم مشروعیت این رژیم ضد مردمی گواهی دادند. رژیمی که ۲۸ بار در مجمع عمومی، کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون منع تبعیض

ملل متحد به خاطر نقض مستمر و شدید حقوق بشر محکوم شده ولی به محکومیتها و نگرانیهای اسرا ز شده از سوی جامعه بین المللی کوچکترین وقعی نگذاشته است و حتی، همزمان با کنفرانس جهانی حقوق بشر به طور رسمی اعلام کرده است که هیچ بیانیه جهان شمولی را در مورد حقوق بشر نمی پذیرد. ارتش آزادیبخش ملی ایران، با زوی نظامی مقاومت، هماهنگ با گسترش اعتراضات مردمی، خود را برای سرنگونی تام و تمام این رژیم آماده می کند. رژیم خمینی هیچ چشم اندازی برای خروج از بحران های فزاینده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ندارد و تنها چارمی که برای مقابله با خیزش سراسری مردم و ادامه حیات ننگین خود یافته است، تشدید سرکوب داخلی و گسترش صدور ارتجاع و تروریسم به خارج است. تا این رژیم هست، منشا بحران، تروریسم و نا امنی در منطقه و جهان خواهد بود و استقرار صلح و آرامش در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه و ریشه کن شدن تروریسم، بدون سرنگونی رژیم آخوندی و استقرار يك الترنا تيو دموکراتیک و صلح طلب در ایران، امکان پذیر نیست. هر گونه سرمایه گذاری سیاسی یا اقتصادی روی این رژیم قرون وسطایی محکوم به شکست است و تنها يك سیاست قاطع و هماهنگ بین المللی می تواند قلب پدیده شوم تروریسم و صدور ارتجاع و بحران را هدف قرار دهد.

به نام مردم و مقاومت عادلانه مردم ایران از شما می خواهم که با اتخاذ يك سیاست قاطع علیه رژیم آخوندی و تحریم تسلیحاتی و نفتی این رژیم، قانون شکنیهای بین المللی آن را بی پاسخ نگذارید. پیشقدم شدن کشورهای صنعتی برای اعمال چنین تحریمهایی از سوی شورای امنیت ملل متحد، محاکمه سردمداران این رژیم در دادگاه بین المللی به خاطر جنایت هایشان در داخل و خارج ایران و به رسمیت شناختن شورای ملی مقاومت ایران به عنوان نماینده واقعی مردم، روند سرنگونی رژیم ضد بشری خمینی و استقرار دموکراسی و حقوق بشر در ایران و صلح و ثبات در منطقه را تسریع خواهد کرد.

مسعود رجوی

مسئول شورای ملی مقاومت

۱۴ تیر ۷۲ (۵ ژوئیه ۹۲)

مبادلات اقتصادی رژیم و آلمان

خبرگزاری رژیم گزارشی در مورد مبادلات اقتصادی رژیم و آلمان پخش نمود. بخشهایی از این گزارش در روزنامه رسالت ۲۴ تیر امسال چاپ شده است. بر اساس این گزارش حجم مبادلات بین آلمان و رژیم در سال میلادی گذشته (۱۹۹۲) معادل ۹/۱ میلیارد مارک بوده که ۱/۱ میلیارد مارک آن صادرات به آلمان بوده است. بر اساس این گزارش بخشی از بدهی رژیم به شرکتهای آلمانی که بالغ بر ۱/۶ میلیارد مارک است برای مدت یکسال دیگر تمدید شده است.

اخبار و رویدادها....

بمباران مناطق مرزی توسط رژیم

طی ماه گذشته، گلوله باران روستاهای کردنشین عراق در مرز ایران توسط رژیم آخوندی بطور متناسب ادامه داشت. توپخانه رژیم خمینی این مناطق را بطور مرتب گلوله باران نموده است. خیرگزاریها از آواره شدن هزاران روستایی از این مناطق گسزاش پخش نموده اند. رژیم آخوندی با اینگونه اقدامات جنایتکارانه خود در صدد است تا کردهای عراق را برای فشار بر نیروهای ایرانی تحت فشار قرار داده و آنان را برای مقابله با مقاومت ایران تحت فشار قرار دهد. مبارها اقدام جنایتکارانه رژیم خمینی در گلوله باران مناطق مرزی را محکوم نموده ایم.

ترس رژیم از جدا شدن نیروهای بسیجی

روزنامه جمهوری اسلامی در مقاله‌ای در شماره ۱ تیر ۷۲ خود در رابطه با جدا شدن هر چه بیشتر نیروهای بسیجی از رژیم و فرهنگ آن می‌نویسد: "برای رزمندگان بی‌هوش باش، این بار اگر اسیر شویم جایمان نه در زندانهای بغداد، بلکه در میان وسوسه‌های شیطانسی و در گوشه زندان نفس مان خواهد بود. سلاح مسموم کننده دیگر بمب‌های شیمیایی صدام نیست، بلکه هر نگاه حرامی که خدای ناکرده در کوجه و خیابان از ما سرزند، همین نگاه سلاح شیمیایی و خفه کننده شیطانسی بر قلب ایمان ماست. برادر عزیز فردا اگر موج انفجار خمپاره‌ها و صدای تلیک از بی‌جی پرده گوشمان را پاره نمی‌کند، هشداری که ممکن است آنگذیک نوارویا صداهای مبتذل دیگری گوش ایمان و وجدانمان را کسر کند."

در صفحه ۲

برخی از رویدادهای تاریخی

مرداد ماه

داخلی:

- ۱۸ مرداد ۱۲۷۵ - اعدام میرزا رضای کرمانی از مبارزین مشروطه خواه توسط دؤخیمان مظفرالدین شاه
- ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ - امضای فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه و تحقق یکی از خواسته‌های مردم
- ۱۱ مرداد ۱۲۸۸ - اعدام آخوند ارتجاعی شیخ فضل الله نوری
- ۳۰ مرداد ۱۳۱۴ - حمله مزدوران رژیم رضاشاه به مردم مشهد در مسجد کوهرشد
- ۲۷ مرداد ۱۳۱۹ - درگذشت نقاش برجسته ایران - کمال الملک
- ۲۷ مرداد ۱۳۲۴ - قیام افسران خراسان
- ۲۰ مرداد ۱۳۳۰ - تصویب لایحه اختیارات دکتر مصدق در مجلس سنا
- ۱۲ مرداد ۱۳۳۲ - فرمان دوم دکتر محمد مصدق برای انحلال مجلس ارتجاع و شرکت ملیونها نفر از مردم ایران در این فرمان دوم به حمایت از دکتر مصدق
- ۲۵ مرداد ۱۳۳۳ - شکست توطئه کودتا علیه دولت دکتر مصدق و فرار محمد رضا شاه خاش
- ۲۸ مرداد ۱۳۳۳ - انجام کودتای ننگین امریکایی - انگلیسی علیه دولت ملی دکتر مصدق و سقوط این دولت
- ۲۶ مرداد ۱۳۳۴ - تیرباران تعدادی از افسران مبارز وابسته به حزب توده
- ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ - فاجعه آتش سوزی در سینمارکس آبادان
- ۱ مرداد ۱۳۵۸ - انتشار اولین شماره نشریه مجاهد پس از انقلاب ۲۲ بهمن
- ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ - انجام انتخابات مجلس خبرگان بجای مجلس موسسان جهت تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی

در صفحه ۲



برای فتح قله‌های
پر صلابت عشق؛
عشق به آزادی؛
عشق به مردم؛
عشق به برابری؛
یامرگ یا پیروزی

شهادت فدایی

مرداد ماه

رفقای فدایی: زین العابدین رشتچی - غلامرضا بانزاد - حسین الهیاری - محمد صفاری آشتیانی - عباس جمشیدی رودباری - داریوش شفاعیان - عباسعلی شریفیان - قدرت الله شاهین سخن - فرزاد میامسی عبدالکریم عبدالله پور - فرامرز شریفی - فرخ سپهری - مهدی فضیلت کلام - مهدی یوسفی - حسن کهل - ابراهیم جلالی - فیروز صدیقی - ونداد ایمانی کودرز همدانی - جهانبخش پایداری - جمیل اکبری آذر - جمشید پور قاسمی - مرتضی (امیر) فاطمی بیژن مجنون - هادی حسین زاده کرمانی - زهرا فرمانبردار - عظیم سرعتی - مسعود جعفر پسرور فریدون شافعی - جواد کاشی - یوسف کیشی زاده احمد زبیرم - سعید میر شکاری - هرمز گرجی بیانسی ابوالقاسم رشوند سرداری، از سال ۵۰ تا کنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع بدست مزدوران رژیم‌های شاه و خمینی شهادت رسیدند، یادشان گرامی باد.



گرامی باد خاطره

فدایی شهید جمشید میرحیدری

در صفحه ۱۰

با کمک‌های مالی خود سازمان را در

انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز: سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک‌های مالی شما نیازمند است. کمک‌های مالی خود را به هر میزان که باشد، یا مستقیماً به دبیت ما برسانید و یا به حساب بانکی زیر واریز کرده و رسید آنرا به ادیس سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک
BOULOGNE - S - SEINE آدرس بانک
03760 کد گیشه
00050097851 شماره حساب
MME; R. - T - TALAT نام صاحب حساب

NABARD_E_KHALGH No 98

ORGAN OF THE ORGANIZATION OF IRANIAN PEOPLE'S FEDAIAN GUERRILLAS.

23 juillet 93

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس‌های زیر مکاتبه کنید

دانمارک

فرانسه

HOVIAT
POST RESTANTE
MIMERS GADE 118

NABARD
B.P 20
91350 GRIGNY CEDEX
FRANCE

2200 DANMARK

امریکا

آلمان غربی

HOVEYAT
P.O BOX 1722
CHANTILLY, VA 22020
U.S.A

P.L.K
Nr. 039999 D
5000 KOLN 1
W - GERMANY